



انقلاب الجزایر و پیام آن  
گزارشی از ماهنامه بارزه وهمبستگی کارگران  
کارخانه تکنوکار  
مذاکرات نمایندگان مجاهدین با ابو جهاد  
دانشگاه و انقلاب

سال اول ( شماره ۸ ) - دوشنبه ۲۷ آبان ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ ریال

گزارش و تحلیلی از جامعه انزلی

اگر حقوق صنفی صیادان را قبول نمیکنید، حق هم ندارید یا گلوله و سلاح با آنان پاسخ دهید

راه‌های بیان خواسته‌های مردم را سد نکنید و شیوه‌های مسالمت آمیز را به بن بست نکشید

آنکه به لحاظ وجود انواع ماهی بسیار غنی است، از جهت اقتصادی نیز همواره یکی از منابع اصلی درآمد و وسیله زندگی بهر گذران مردم کناره‌های خزر بود است. در نتیجه مانند سایر منابع ثروت طبعاً "مسئله صید" شال بعنوان یک وسیله تجارت مورد توجه و اعتماد بود و وسیله استعاشه شدن صیادان گشته است. اولین قرارداد شلایات و گذاشتن ری از صیادان بر بردن ری از آن به صورتی تزاری بوده، که همه با یک ظاهر بی شلایات و شالی شکل دیگری از استعاشه با ایجاد محدودیت های صید آراد بوجود آمده، که تروام نام مذاکرات ایشان بودند با کامیون حاصل ماهی صید شده از جانب شلایات مواجه میگردید. اینان ضمن اعتراض به نقض تعهد " خودداری از ماهگیری " ماهی ها را بین مردم تقسیم میکنند. پاسداران مستقر در شلایات حاضر به خشونت نمی شوند. شلایات از پاسداران انزلی کمک خواسته و پاسداران امرای، تحت تأثیر جو تحریک شلایات، برای متصرفین کزن مردم با قدرت تصرف اندازی می نمایند. این جریان بگفته شدن دوساد و خروج جسد تعدادی دیگر جانباخته ها و تقاضای سبب حتم صیادان شده، موجب اعتراض شدید چند تنوسیل و قسمتی از استعاشان شلایات میشود. بعد از این واقعه شورای امنیت شهر تصمیم به خروج پاسداران از شهر میگردد. اما با تظلمی که ذکر خواهد شد درازسوی سپاه متعصب گرفته میشود که پاسداران در شهر باقی میمانند. تظاهرات روز بعد حالت گسترده تری بخود میگردد و جو انجمن آزمتیزم گسترده شدن پذیرفته درازسوی و در حدود ۹۵ نفر زخمی میشوند. در این واقعه و نیز در جریان آزار پاسداران از رشت سپاهیان نیز کشته میشوند.

نمرو در بانی و شیربانی شهر در خلال این دوره خود را کشته شده و اغلب با تظلم بودند.

نگاهی به تاریخچه شلایات از آغاز تا پیروزی قیام  
شرح موارد و درگیریهای خونین انزلی که در آن حدودی به روشن شدن جزئیات امر کمک میکند، ولی برای پی بردن به علل آن و ریشه‌های سیاسی - اجتماعی، به سوابق تاریخی ساله اشاره شود. آبهای ایران در شمال علاوه بر

انقلاب چیست و انقلابی کیست؟

ضرورت تعیین مجدد مرز انقلاب و ضد انقلاب در شرایط بعد از پیروزی قیام

در مکتب توحید زوال طبقات استثمارگر، حاکمیت مستضعفین و تحقق لفظ

دارند ۱۱- مفهوم و معنی انقلاب و انقلابی کیست؟  
انقلاب عبارت از آنست که در یک جامعه یا در یک کشور، تغییرات اساسی در نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوجود آید. این تغییرات میتواند از طریق مبارزه مسلحانه یا از طریق مبارزه غیرمسلحانه انجام گیرد. انقلابی کسی است که در پی تحقق این تغییرات است.

مرز انقلاب و سازش در دوران دیکتاتوری  
البت در دوران رژیم صدامتدخلی‌ناه بخصوص در اوج عقاب دیکتاتوری که کثرت گسی جرات نداشتن کشید، داشت. مرز انقلاب با ضد انقلاب، و سازش با اشرار میبماند.

تاریخچه شلایات از آغاز تا پیروزی قیام  
شرح موارد و درگیریهای خونین انزلی که در آن حدودی به روشن شدن جزئیات امر کمک میکند، ولی برای پی بردن به علل آن و ریشه‌های سیاسی - اجتماعی، به سوابق تاریخی ساله اشاره شود. آبهای ایران در شمال علاوه بر

خبرگان در ترازوی داوری

آیا انتظار دارید به مواردیکه پدر طالقانی نیز برای مخالف داده، مردم رأی مثبت بدهند؟

کندید. اگر چه همیشه بر این عقیده بودیم که ظاهر رهبری شما فراتر از دستگیری بهر جمعیت و حزب بخصوص بود. و اینکه با اینکه در جریان انتخابات ما شاهد دخالت های غیرقانونی و گسترده با حزب و جناح های بخصوصی بودیم که ما شاهد طریق توده مردم را تحت نام شما برای دادن به فهرستی و امید داشتند که در واقع امر انتخابات را به انتصابات تبدیل مینمود. مجموعه این دخالت ها و محدودیت ها هم اکنون ما را با مجلسی مواجه ساخته است که بهر شمارگیلی از علما و افراد شرکت کننده در آن فاقد نمایندگیان طرز تفکر انقلابی نسل جوان و روشنفکر مسلمان است. مجلسی که طبعاً "تغواضت توانست چنانکه باید حمایت ترین خواست های قانون مسلمان در چهار چوب تدوین یک قانون اساسی اسلامی و مردمی پاسخ دهد" سپس چراغی جز این نماند بود که خواست های خود را با اطلاع امام برسانیم. " باید که تحت رهبری و ارشاد ذات پادشاه شات خود پادشاه " قانون اساسی داشته باشیم که مردم بویژه جوانان انقلابی به تمام و کمال از آن استقبال میجوید، و با سپاه سرنگندی همه و بخصوص شخصی ایشان در قبال خدا و خلق و نسلهای آینده باشد. مهمترین این خواسته ها که طی ۱۲ ماده خلاصه شده و در مطبوعات نیز منتشر گردیده تصویب برحسب خواهی شد استبداد و ضد استعماری جمهوری اسلامی بمنظور و انگشانی به سمت جامعه بری راست افراط و بی طبقه بود، که میبایست از طریق نظامی تزاری که در آن کاربنیای آریش بوده و تا مرز قیام مسلحانه همه را زایل به با هر وسعت شناخته شده باشد، تحقق پذیرد.

نگاهی که در آن "حقوق حقیقت" ملیتها " یعنی برتری و آذاره امور داخلی خود در چارچوب وحدت و تمامیت تجزیه ناپذیری جمهوری اسلامی منسوط و از بقیه در صفحه ۴

ارتجاعی از اسلام هرگز!  
به چند سطر زیر از نامه مورخ ۱۷ مرداد ماه ما به نام که در چهارمین روز بعد از انتخابات خبرگان نوشته شده توجه

گفتگو با برادر مجاهد موسی خیابانی  
چه کسانی به شیاعه وجود اختلاف و انشعاب در سازمان مجاهدین خلق دامن میزنند؟  
فندان یک جهان بینی و ایدئولوژی که از عمق و حقیقت برخوردار باشد، عامل درجه اول جناح بندی و انشعاب است

پوداشتهایی از خطبه عروجه البلاغه (قسمت چهارم)

مفهوم واقعی "وسط" و "طریق الوسطی"  
در فرهنگ اصیل قرآنی  
بطور کلی واژه "وسط" در فرهنگ قرآنی به معنای بهترین و درست ترین است (النسج) این واژه در مواردی که در قرآن آمده، دقیقاً همین معنی نگار معناست. مثلاً "در سوره قلم آیه ۲۸ سخن از طریق وسطی میآید که عبارت "ووسطی" توصیف شده است.  
"فان از وسطیتم انکم اقل لکم انوالا" "توسطیتم" یعنی بهترین و صالحترین است. این بهترین و صالحترین را چه میگویند؟ "فانوالا" "توسطیتم" یعنی بهترین و صالحترین است. این بهترین و صالحترین را چه میگویند؟ "فانوالا" "توسطیتم" یعنی بهترین و صالحترین است. این بهترین و صالحترین را چه میگویند؟ "فانوالا"

اهمیت شیوه های مناسب و اصولی در مبارزه انقلابی - مکتبی

اهمیت شیوه های مناسب و اصولی در مبارزه انقلابی - مکتبی  
در شماره قبل گفتیم که ما مکتبی (ع) در مقابل راههای انحرافی راست و چپ در چپ روانه در "طریق الوسطی" کامیون سیدار، یعنی راه انقلابی و اصولی مبارزه طرف در مرحله بودن کار را در نظر میگیرد و از طرف دیگر تفکرات را بطور قاطع حل مینماید. اکنون برداشتهای خود را از این خطبه دنبال میکنیم.  
راست‌روی و چپ‌روی در حقیقت چیزی جز گریز راحت، طبلانه و ساده اندیشانه از مشکلات و موانع نیست. حال آنکه در یک شیوه اصولی و انقلابی (طریق الوسطی) با تضادها و مسائل بطور همه جانبه و واقع گرایانه و علمی برخورد می شود. باید گردن خط اصولی در هر شرایط مستلزم تحلیل شفیع آزان شرایط است. از اینرو کسانی که شناخت درست و آرزوهای

فندان یک جهان بینی و ایدئولوژی که از عمق و حقیقت برخوردار باشد، عامل درجه اول جناح بندی و انشعاب است

در پی شایسته مربوط بوجود جناح بندی در دوران سازمان مجاهدین خلق ایران، با برادران موسی خیابانی به گفتگو نشستیم. متن زیر نتیجه این گفتگو است که در شماره آن را منتشر میکنیم.

سؤال - به نظر شما منشا و مبداء این شایعات چیست؟  
جواب - همانطوریکه اشاره کردید چنین شایعاتی بطور عمیق گسترده ای مطرح شده، و بخصوص بی اثر خلیفه ستاد مرکزی جنبش ملی مجاهدین و سبب بدامن دامن زده شده است.  
البت این اولین بار نیست که شایعاتی بر علیه سازمان ما برآمده است. شایعه سازی و دروغ پراکنی بر علیه یک نیرو و جریان انقلابی از روشهای شناخته شده "جریبه های انحرافی و ارتجاعی است. منتها روش و سبب ما این نبوده و نیست که در هر موردی در صدد توضیح و رفع اشکالات وارد شایعات خود در چارچوب وحدت و تمامیت دهن به دهن شدن با عناصر و جریانهای مغرض موجب هرز رفتن نیروها و اثر زیاده بقیه در صفحه ۶



# خبرگان در ترازوی داوری

هرجهت به آنها اعاده گردد. آخر استقبال مردم از جمهوری اسلامی و فرزند باین خاطر بود که بسا یک محور حقیقتا اسلامی حقیق پذیر، نه اینکه از اسلام و انقلاب فقط استفاده بشود پس. شمار ما دران موقع این بود که جمهوری اسلامی را آری سوا استفاده از تجاری از اسلام هرگز

همین دلیل محتوای ضد استبداد دی و ضد استعماری و ظهور ضد استعماری جمهوری را از آغاز وجود مشروط در برنامه حداقل خود مشخص کرده ایم. پس طبیعی است که اکنون خبرگان در ر همین ترازوی داوری بنویسند.

آیا انتظار دارید بمصوبات مجلسی که در آن نظام توحیدی کفر و زندقه محسوب میشود، رای مثبت داد؟

سوال اینست که آیا مصوبات خبرگان باین خواست ما پاسخ میدهد؟ و اگر پاسخ مثبت نمیدهند میتوان در رابطه با این مصوبات در کار در یک ایام انقلابی مردمی انتظار موافقت برای ملت داشت؟ بگذارید همه افراد بالنسبه آگاه و مسالمت را مخاطب فرماده و سؤال کنیم که آیا ترتیبی که بحال خبرگان پیش رفتند با واقعیت اسباب فرسایش این انقلاب و این مکتب بود؟

اینجاست که میتوان دلایل نگرانی های در طولانی را بوضوح دریافت. گویا مکتب افکن روشن شد است که بارضایای های ما و متحدانمان از این ترازوی باند کدایی همچو فریب است. آنروز وقتی اعتراض کردیم که این همه عجز و کاری برای انتخابات خبرگان جز به منظور سطحی گذشتن و جدی گرفتن نمیتواند باشد، بهر چه اسباب و موجب اصلاح و جرح گذاشتن و ترس از شکست خوردن زدند.

ولی امروز در اطلاع شد که اسباب انتخاباتی شوهرها ابطال شد در اعلامیه حزب حاکم (مورخ ۲/۲۸) خطاب بوزیر کشور (چنین میخوانیم

برای افکار عمومی این سوال جدا مطرح شده که چرا برای این انتخابات مهم و سرنوشت ساز چنین مدتی کوتاه در نظر گرفته شده بود، و کار نتوان با عجله صورت گرفت که مردم و نهادهای و نه نامزدها نتوانستند در این مورد توجه شوند. وقتی صلاحیت بسیاری از نامزدها دروز قبل از انتخابات از طرف وزارت

دیده کمترین مادر مرحله چهار حسابی از تاریخ مبارزات خلق سرسبز و بدلیل حاکمیت مستور بیکانونی و ضعف آکنده ای بوده است

و مسئولیتی بی سنگین بر دوش روشنفکران و بویژه دانشمندان است و نیز دیدیم که بدلیل ضعف حضور بیاد و آموغ، هر چه برخورد شده قربانه و سادماندگیمان، میباید فاجعه امری باشد، مخصوصا آنچه به هیواری امیرالیم و برخورداری اوارتجاری ضد انقلابی.

روشنفکر چگونه ممکن است وظیفه سنگین خود را فراموش کند حال سیستم چگونه ممکن است نشر آکاگر درین موقعا مختلف وظیفه سنگین میان طبقات مختلف را فراموش کند و با از عهده انجام آن، برنیاید.

عموماً از نامزدهای ناآگاه مورد نظر - ان در مقابل منیت های اجتماعی، انکسای کاغذی، مناظری شان دیده، هر چند تجارب منی تودهای بسیار است، ولی بدلیل بی برخورداری از آنها از چهارچوب فکری محدود و واقع گرایانه، هیچ عنوان حسینت و بهای از آنهاست.

روشنفکر است که بدلیل توان اجتماعی لازم جهت دستیابی به چهارچوب یک آید - لولوژی واقع گرایانه، و مخصوصا درک قوانین علمی جامعه، میباید ضمن برخورد با مکتب های اجتماعی آنها را جمع بندی کند، و یک خط مشی مشخص سیاسی در مقابل توده مردم در وقت به همین دلیل، اگر روشنفکران نتوانند ار عهده این مهم برآیند، غالباً دید-

# طرح تبلیغاتی رژیم گذشته برای مقابله با مخالفین

## اسنادی از توطئه های سیستم رژیم برای (قسمت سوم)

ارکثر رژیم "شاهت" نام میگردد به زعم مقامات رژیم آریا مهری این تبعوع و پذیرش باصلاح شایعات بعلت "مستور بی رویه و عاقل است، درحالی که سایر مقامات و رهبران ضد حاکمیت صادی را با خود دارد و بالاخره بعد خود تبدیل خواهد شد. از طرف دیگر سانسور را بزرگ کاریک دولت ضد مردمی با ارتجای است چون آگاهی توده ها با وجود چنین زبانی تضاد دارد، بنابراین سانسورینی جلوی گیری از کاغذ شدن توده ها را و اقتیسات اجتماعی اجتناب پذیر میشود.

۱- "سوا استفاده از عناصر و مقامات عالی رتبه دولتی و ملی در شایعات و تبلیغی به دستگاه لازم و به دست عوامل فرصت طلب و آشوبگرانه است." به فرهنگ خاص رژیم که توجه دارد ۱- عوامل فرصت طلب و آشوبگر کسانی هستند که بر سوا استفاده مقامات عالی رتبه مکتب می گذارند

۲- "تفسیر تبلیغات مضاره دشمنان از چنانچه هم گریخته است که در صورت تعدد اقدامات مغلوب برسی شده در عاجل بی امدهای خطرناک و غیر قابل تصور امکان پذیر است." این اسلواح همه گذر شدن تبلیغات مضاره دشمنان (شماره به کاشف سانسور در روزنامه حالت که رژیم در اوایل عمر خویش بنا به جبر توسط پذیرفته بود. همانند گذشته بودی مطبوعات با وجود رژیم های ضد مردمی و وابسته های عمیق و غیر قابل حل دارد. و آگاهی یافتن توده ها به قول گزارش مزبور بی امدهای خطرناک، برای رژیم دارد. اینست که

میکند، ولی آستان تصور نموده که بیکاره بزمضض چینه لایه های پائین فشر توده و نقش تاریخی خود را از دست داده است. و آری با توجه تصور نمودن که در این مدت که مبارکان به چنان کیفیت آید بولوژیک و سازمانی رسیده اند که توانند با هر عظیم انقلاب را به نتایج بدوش کنند؟ و آری "اپورتونیستهای چپ نما" در آغاز بانگی همین اصل وحدت نیروهای ضد امپریالیست" به موضوع اپورتونیستی نماندند؟، بنابراین این نتیجه میگیریم که همانقدر که غیره شدن چشم در مقابل پیروزیهای انقلاب میباید استنباه باشد، و روشنفکران از ابفای نقش هدایت کنند و رهبری بکنند" حرکت خلق بازدارد، و به تالیف و محتاج هر آنچه تحقق میدهد تبدیل نماید، و ترس از بیکانونی نیز، ناگهان دستخوش میباید خود بخودی باز نماند میسکندر اجتماعی سیستم حاکم شدن و تضاد خود را مطلق کند، میباید بهیاب قدر برای تضاد انقلاب در مبارزات ضربه زنده بود، و در بومفکرهای سیاسی ضربه نهی اصل خود ضد مردمی و ضد امپریالیستی گردد. و در اینجا اجتماعی ضربه به جا شدن زور سر بزمی لایه های باختری که هنوز صلاحیت شرکت در انقلاب را دارند

نیاستی مضمون ضد امپریالیستی مبارزه و ضد ارتجایی و فراموش کرد بدینسان سیستم که هر نوع مومفکرهای سیاسی فقط فقط آنگاه بماند و اقترا گرایانه خواهد داشت، و بطوریکه آن در یک مرحله وحدت و در گام بعد تضاد با نظام حاکم را مطلق نخواهد کرد، که در آن به مابیت مبارزه ضد امپریالیستی ضرورت خلق هر نوع تضاد مردمی در چهارچوب اصل بودن تضاد با امپریالیسم توجه شده باشد. و الا بناگام جنبه خواهم شد که با هر یک از مبارزات با اجتماع خواهد بود کردن، چهارچوب جنبه

این یعنی مبارزه با امپریالیسم تضاد استوار خدی میباید با امپریالیسم بلکه آنرا از سر اصولی با تحریف کنند. ما می دانستیم که دانستیم که دانستیم که

دانشجو در این مرحله، ضمن آنکه همچنان با بدین واقعه به مبارزه با ارتجاع ادامه دهد. در همین حلقه به مبارزه با دشمنان ضمیمه شده است. و امپریالیستی مبارزه با ارتجاع را نیز

دانشجو در این مرحله، ضمن آنکه همچنان با بدین واقعه به مبارزه با ارتجاع ادامه دهد. در همین حلقه به مبارزه با دشمنان ضمیمه شده است. و امپریالیستی مبارزه با ارتجاع را نیز

دانشجو در این مرحله، ضمن آنکه همچنان با بدین واقعه به مبارزه با ارتجاع ادامه دهد. در همین حلقه به مبارزه با دشمنان ضمیمه شده است. و امپریالیستی مبارزه با ارتجاع را نیز

دانشجو در این مرحله، ضمن آنکه همچنان با بدین واقعه به مبارزه با ارتجاع ادامه دهد. در همین حلقه به مبارزه با دشمنان ضمیمه شده است. و امپریالیستی مبارزه با ارتجاع را نیز

دانشجو در این مرحله، ضمن آنکه همچنان با بدین واقعه به مبارزه با ارتجاع ادامه دهد. در همین حلقه به مبارزه با دشمنان ضمیمه شده است. و امپریالیستی مبارزه با ارتجاع را نیز

دانشجو در این مرحله، ضمن آنکه همچنان با بدین واقعه به مبارزه با ارتجاع ادامه دهد. در همین حلقه به مبارزه با دشمنان ضمیمه شده است. و امپریالیستی مبارزه با ارتجاع را نیز

بقیة صفحه اول

اصفی نایب گشور البته تا آنجا که فضا به ما مربوط میشود باز هم برای هرتمتی آماده ایم. بگذار همانها که امروز در سوگ میباشند طاقاتی از روی ربا سینه چاک میدهند موقع معرفی کردن ایشان بپانویس نامزد ریاست جمهوری مارا نفاق افکن و طرفه انداز بنام وحشی پشیمان اسم مربوطه را نیز در ادب و نظیر پشیمان تحریم کنند. انفعال توده های عظیمی که بدینحال جلوت پدر ایجاد شد برای زوش شدن حقایق کافست. البته حالا که دیگر نمیتواند به یادگی روز انتخاب رئیس برای خبرگان، بدو طاقاتی را نادیده گرفت، و باورگاری بسوش آورد که مجبور شود هجرت کند. یا این مومفکرهای دوگانه نشان باز هم جوش را باید ما بخوریم و مروق خطاب شویم.

آخر بارداران ما راهین گناه هست است که از جانب پدر بسیمای مور مورود مومفکرهای با و از آغاز با او همراه و همبختین بودند، مومفکرهای که به پشیم پدر راه جهاد کشوندند. "راهی که بسیاری مدعیان امروز خود با کمال میل در پشت سرمان میبازانند و اقتدا کردند. همین بس که برادران ما در شانندان جایگاه موافقی پدر بسیمای گوشیدند.

آنان که توده مردم و جوانان انقلابی را از اسلام گریزان میکنند...

لکن برای ما بالاتر و مهمتر از تمام این چیزها همینست تاریخی مکتبمان است اصل دعوا بر سر دین و عقاید اسلام است. اسلام را ستین و از اسلامی کادب، اسلام علوی و اسلام صوری. و بازدقیقا "بسیمن دلیل بود که ما از روز نخست جمهوری اسلامی در برنامه حداقل خود مشخص کردیم کهم چون گذشته کدامیک از این اسلواحها در نظر داریم، هر ابیادی که مخالفین به ما بگردند لازم دیگر کسی نمیتواند مارا به دریگی و حرکت درست یاد منجم کند، چرا که پدر در این وجه پس از ضربات وجه قتل و چه بعد از انقلاب برآمده است. و هیچ خدشهای استوار ما ندیم، و باز هم نخواهیم ماند. آری ما همیشه تاریخی و مردمی مکتبمان را با همیمنی و مصلحتی توضیح نمیکند، و در همین جا است که کسانی که توده مردم وتوده" کوشان انقلابی را از اسلام گریزان میکنند، خود باستی در دنیا و آخرت پاسخگو باشند.

هیچ نشده خبرنگاران بیکانه را در ناخار همین مجلس بهاد کنگ و ناسزا میگردید، داعیه آرزو پخواهی شمارا پاور کنند؟ و بعد از آنهم مبارزات ضد استبدادی مردم باز هم به چنین وضعیتی رای مثبت بدهند؟ بدین است که هر آرزو دم پاسکاری به این فکری است که: رفتی در قلب "خبرگان" یا خبرنگران، و چنین معامله ای میشود پس و ای بحال رفتار بعدی نشان، آنهم در

اصفی نایب گشور

آیا انتظار دارید در حالیکه هنوز هیچ نشده خبرنگاران بیکانه را در ناخار همین مجلس بهاد کنگ و ناسزا میگردید، داعیه آرزو پخواهی شمارا پاور کنند؟ و بعد از آنهم مبارزات ضد استبدادی مردم باز هم به چنین وضعیتی رای مثبت بدهند؟ بدین است که هر آرزو دم پاسکاری به این فکری است که: رفتی در قلب "خبرگان" یا خبرنگران، و چنین معامله ای میشود پس و ای بحال رفتار بعدی نشان، آنهم در

یک مبارزه، ضد امپریالیستی و با توجه به اصلی بودن تضاد "خلق و امپریالیسم" میتوان در شرایط کنونی انقلاب به مبارزه با اپورتونیسم توجه بخشید و با تخلیه دقیق از جریان ضربه، هم مبارزه بکنیم و هم جانمان را بپوششیم. اینها دو موضوعی است که باید در نظر گرفت. مبارزه با امپریالیسم و مبارزه با اپورتونیسم. مبارزه با امپریالیسم باید به تپش مسلوب انقلاب حرکت کند، ولی این بدان معنی نیست که این طبقه تشبیه حرکت کند. هر این انقلاب است، مابیت تضاد خلق و امپریالیسم، ایجاد گوناگون اجتماعی و تاریخی آن ایجاد میکند، حتی امدهای باستانی اقتدار توسط زبیم خود را در مبارزه با امپریالیسم ایفا کند. به عبارت دیگر، بدون تحقق این وحدت اجتماعی مبارزه، ضد امپریالیستی به بیسروری نخواهد انجامید.

یعنی میان فوق اینست که: هنوز لایه های پائین اقتدار توسط" صلاحیت شرکت در مبارزه، در حیران تکامل انجام می، و دارند.

حال که چنین زمان، هر چند روشنفکران انقلابی از ما بالا محاله باید برخورد آرازدگانه حقیق" ضد استعماری باشند. و با یکاه اصلی اجتماعی خود را کارگران و کشاورزان بدانند، ولی تلقی آنها به جریان انقلابی زمان، هرگز کافی نیست. در سازمان دادن صفوف مبارزه نیست. صفوی که دربرگیرنده شعار اقتدار و طبقات اجتماعی بی است که به شعار ما هستند. صلاحیت شرکت در مبارزه، ضد امپریالیستی را دارند.

روشنفکر نباید مسئولیت خود را در قبیل نیروهای ضد امپریالیست فراموش کند بلکه باید توجه کند که نیروهای انقلابی در مقابل سایر نیروها که در زمان ما صلاحیت فرار گرفتن در خط مقدم جبهه را دارند، ولی هنوز میبایست در صفوف مبارزه، ضد امپریالیستی قرار گیرند. مسئولیت سنگینی را دارند و باید بتوانند دارنوردی آرزو درگاه منجم و واقفکاران بوده اکنون نیز با آشکار شدن "مسلکزدگی" امپریالیستی نظام موجود به بیکاره به نفی مطلق اعتقاد، در فضا" هر دو موضوع گیری غیر اصولی است. این هر دو موضوع گیری، و ضد طبقه اشکال متفاوتی بلحاظ محتوی، نمایانگر دینامیزی کوکرتوانه روشنفکران "جریانانات اجتماعی" است.

نیست بدینجهت تجارب فوق و نمونهای بسیار دیگری که میتوان از تاریخ مبارزات خلقها بدست آورد، و بدین طریق "بشرایب کنونی انقلاب توجه نمود. تابانان آکا گانه از موقوف در مومفکرهای انکسای که هیچ عنوان برای روشنفکران خود سنی نیست، برهیز نمود.

درست بهین دلیل ما مافتد که باید یکبارگی تمام نظام حاکم سیاسی را بر روی انقلاب ضد دیکتاتوری، مومفکرگری کلا" انکسای و غلط و روابط نامتوازن بر مومفکران آرزو درگاه منجم و واقفکاران بوده اکنون نیز با آشکار شدن "مسلکزدگی" امپریالیستی نظام موجود به بیکاره به نفی مطلق اعتقاد، در فضا" هر دو موضوع گیری غیر اصولی است. این هر دو موضوع گیری، و ضد طبقه اشکال متفاوتی بلحاظ محتوی، نمایانگر دینامیزی کوکرتوانه روشنفکران "جریانانات اجتماعی" است.

گزارشی از ماه مبارک و همبستگی کارگران کارخانه تکنوکار

### بر کارگران زحمتکش ما چه می گذرد؟

کارگران: وزارت کار فکر میکند مبارزه ما کارگران برای این بوده که شاه را بکشند ولی قوانین شاهنشاهی بدست عده ای دیه را اجرا کردند!

#### نگاهی به شرکت و ان پیجی آن:

شرکت ناسیاتی تکنوکار از ۲۰ سال پیش با سرمایه ای معادل ۲ میلیون تومان در کارخانه مخصوص سرکار خود را شروع کرد. با رشد نظام سرمایه داری و ایستادن افزایش سفارشات تابلومواری، کارکنان تکنوکار نیز گسترش یافت. تا آنجا که در دیگر کشورها برای اوج طلب تیزتر، بهوش، گرمای و بندر عیاشی نسبت به دایر نمودن سهامدار عمده "ان شرکت" ناصری معاد قیام به آمریکا کرده است. ولی به سهامدار دیگر شرکت در تهران حضور دارند. کارخانه تابلومواری تکنوکار شامل سیکار، کامپیوتر، رنگ، کابین و غیره است. که جمعا ۶۰ کارگر در آن کار اشتغال دارند. بدلیل فنی بودن قسمت موتاز اغلب کارکنان آن، دیپلمه و اترانصراگاه هستند.

مشتري عمده شرکت تاکنون ارتش مخصوص نیروی دریایی و چند سرمایه دار از جمله هوشی و راکو (سرمایه داران صهیونیست) بوده اند.

مواد اولیه شرکت از آلمان فدرال تهیه میشود، و معمولاً کارفرمایان به اینک پروژه ها متعلق به دولت است. این مواد را شامل مسافرتی میگرداند که بیشتر از ۲۰ میلیون تومان مواد اولیه در اختیار تابلومواری موجود است.

اعتصاب کارگران تکنوکار در ۲۰ ماهه ۵۷ منظور خواستیهای صغی آغاز شد. به سرعت مراحل تکمیل خود را طی کرد به طوری که تا آخرین روز قیام مردم قهرمان ایران (۲۲ بهمن) ادامه یافت. کارگران طی دوران اعتصاب توانستند تجارب مبارزاتی ارزنده ای را در مقابل سرمایه داری و ایستندگی کنند، و پروا نماندند نسبت به افتادمانت عملی سازندگی دست زدند. از جمله بختگلی کشتن و آری سفوفه بوقتیتهایی نظیر تعقیف عناصر فاسد، افزایش حقوق کارگران، برقراری مجدد دسروسیس رفت و آمد، و شرکت در مدیریت بدست آوردند. نشریه "تابلو ساز مبارز" که تاکنون پنج شماره آن منتشر شده، نتیجه دیگری از مبارزات این شورا است.

این شورا است.

توطئه های و نگرانی کارفرمایان تعطیل کارخانه

کارگران با فعالیتها، عوامل را در فرما میگویند که وحدت کارگران را در هم شکنند. بیکار به بهانه اینکه چند نفر از کارگران سربرای ترولفتند، و سایر دیگر بهانه های اغلاگری و بالاخره با نگرانی کمونیست و... سعی در اخراج کارگران مبارز داشتند. با با کارهای از قبیل جمع آوری بریده های از نشریه "تابلومواری" در انبساط مخالفت کارگران با دولت، موسیقی کوشتن میگردند، ولی اتحاد و همبستگی کارگران آگاه تکنوکار همه این توطئه ها را نقش بر آب کرد. کارگران با بازگردن، که یکی از کارفرما با کارگزاران نیز محضتر و مستمتر به راه خود ادامه میدادند. کارفرمایان با توطئه های فعالیت های ضد کارگری، در اول فروردین ماه بهانه ای امام عید ۱۵ روز به کارگران بر مخصی داد. هنگامیکه کارگران بی از فعالیت به سرکار باز میگرددند، با راه های بسته کارخانه و ایستگاه های جایی از غوا میدنند پروورها و تعطیل کارخانه و پروو میگردند، ولی همینانکه از اطلاع میباشند کارگران آمدند، کارگران که در جریان قیام با کادتهای ارتش و شاه مزدور افتخیر کردند، بیانشان با تکرار کارخانه امنیتی نشاندند. این کارها در کارخانه دوست گاهها را کارگزاران هستند.

ای بهنخستین وزیر وزیر کار نوشتند: "ما توجیه میکنند تمام بیکارها درسی که نیاز هستند، و دولت موظف است که به آنها کار بدهد. اعلام میکند که با تعطیل شرکت تکنوکار خانواده های ما میمانند. ملتونها خانواده کارگرها دیگر در معرض گرسنگی قرار خواهند گرفت. بنابراین از دولت و سایر سازمانهای متولیه خواهم که جلوی اینکار را بگیرند و گرنه وقتی ما دستم اقدام زدیم ما را غداً با بی و اخلاص لگر معرفی میکنند - ۵۸/۱/۲۲ -"

بعضی مواد خام در بازار تصمیم به تعطیل کارخانه گرفت. ولی کارگران بهماز کار و جنبیهای موجود نظر آنها بود که دست کارفرما را ورز کردند. کارفرما بلافاصله بهانه ای بی-

#### لی راهپیشی کشید. کارگران نیز با انتشار نامه ای این ادعای دروغ را افشا کردند.

#### برای انقلاب آری برای کارفرما هرگز

در ادامه مبارزه خاطر کسب حقوق کارگران شورای تکنوکار تصمیم کاهش مدت کار را از ۴ ساعت به ۳ ساعت در هفته گرفت که کارگران بلا درنگی آن را اجرا کردند. کارفرما همین سالها بهانه کرد که در دست تعطیل کارخانه را مدتی برای جلب نظروارت کار، آن مؤسسه را به موسسه کسب حقوق خودش کشید. نتیجتاً وزارت کار از کارفرما حمایت کرد و کارگران سرزدوراهی قبول ۴ ساعت کار در هفته، و با تعطیل کارخانه فرار داد. در این حال کارگران میگفتند: گناه کار بیشتر برای انقلاب است. ما حاضریم بشرط آنکه حقوقمان به نفع مستضعفان خرج شود. ولی اگر می-خواهید که ما این پول بجهت کارفرما ریخته شود، بختیار این ما حاضریم به شدن جنبه آنها نیستیم.

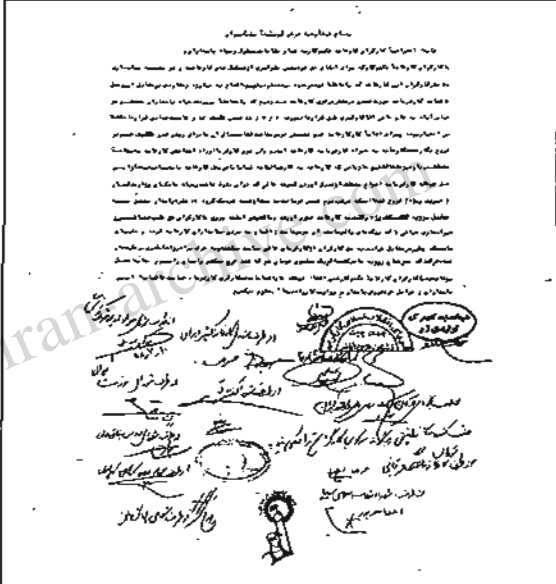
بشردیج اختلافات بین کارگران و کارفرما به سرزدور حالت در مدیریت و کنترل انبار مواد اولیه شدت یافت. کارفرما اعلام داشت که عده ای اغلاک را در بین

فرار دادی مبتنی بر ما افتادند کارخانه و تصمیم دادیم آن از طرف وزارت کار نوشته میشود. ولی وزارت کار حاضر نباشد آن نمیباشد. حتی نمایندگان آن میگویند: "کارخانه منطبق به کار فرماست. می-تواند آن را بفرود، و با پول آن تخم مرغ بخورد. و همه را بد بوزارده و بشکند!" کارگران قضا دخود را با کارفرما درگرم میکنند

#### کارگران تازم میبندند که این حفظ

چندی برای شکستن تخمین آنان بوده است. لذا روز شنبه هفته سپهرام با دفتر مرکزی تکنوکار رفتند. و همسایه ها را با خود به محل کارخانه می آوردند. و اعلام میدادند که ما تلخ خود شدن و مع شرکت، به این اجازه نخواهیم داد. بدینال این جریان دفتر از طرف وزارت کار و عده ای از ساها جانگان (دار و دسته مسلحی در وزارت کار) و نیروی ویژه (توجه) حفاظت قدیم) در محصل حاضر می شوند، و هر چند تهدیدهای فراوان قول میدهند که وزارت کار رضایتناسه مذکور را امضا کند. بشرط آنکه آنها سها مداران را با خود ببرند. کارگران که از وزارت کار خبری ندیدند، حاضر به قبول آن نشدند و پیشانیها میکنند که یکی از سها مداران همراه دو نفر از اعضا شورا برای امضا فرار دادند. در این ساله راهم طرف مقابل نمی پذیرد.

#### اتحاد شوراهای واقعی کارگران سرانجام در نتیجه های شب کارگران مورد هجوم قرار میگردد. و این در حالی



بشردیج اختلافات بین کارگران و کارفرما به سرزدور حالت در مدیریت و کنترل انبار مواد اولیه شدت یافت. کارفرما اعلام داشت که عده ای اغلاک را در بین

بوده که کارگران تکنوکار در روزهای قبیل خود حمایت شوراهای هزاران نفر از کارگران قرار گرفتند بود. تا آنوقت شورا های جهان جهت تبادلگی فرانسوی روغن نباتی جهان، یونسکو قرار گرفت. غایب دیگر مشترکا "سپهاسی" خود را از تکنوکار اعلام داشته بودند.

برای روشن شدن چگونگی نتایج حاصل شده از اعلام شماره ۳ کارگران تکنوکار که بهیمن مناسبت صادر شده می آوریم:

"بشام خداوند درهم گویند لیسر- ماهه داری، برادران کارگر، هم میهنان مبارز... وزارت کار دولت وقت جمهوری اسلامی ایران درگفته به کارفرما برای اخراج کارگران و بستن کارخانه همسان قانونی را به رخ میکشید که به دست کار- شاسان آمریکایی از زمینهای مردم نوشته شده. وزارت کار فکر میکند مبارزه ما کارگران بر علیه رژیم مزدور شاه و اربابان آمریکایی برای این بوده که شاه مزدور فرار کند، ولی قوانین پوسیده و ضد خلقی شاهنشاهی بدست عده ای بیگنا قرار گرفت اما کارگزارانیکه ما از آن طولانی و قیام مسلمانان بهین ماه نظام مشغول سلطنتی را نابود کردند، و بدون شک سرمایه داری و ایستادگاری نیز نابود خواهند کرد. روز یکشنبه ۵۸/۷/۲۸ ساعت ۳ ساعت ۳۰ دقیقه کارگران مستقر در میدان جمهوری به آهسته خودشان از طرف آقای چمران... برای بریدن سها مداران شرکت به کارخانه آمدند. ما مویرتیا بین سها مداران این بود که سها مداران کارخانه را از کارخانه بیرون ببرند. و به سهم خودی بستان کارخانه و اخراج ما گفتند. ولی آنها نخواستند، و همبستگی آنها را ما ورزیدند. در ساعت ۳ تعطیل روز دوشنبه

### گزارش بابان اردوی سازندگی جوانان مجاهد در روستای "ایگان" با تحمل رنج و زحمت کشتان عشق به توده ها را در خود مستحکم تر سازیم (از پیام اردوی سازندگی)

طلالقانی، این رهبران بزرگ خداستعمار نشجویان اعزامی جنبش ملی مجاهدین کارمهم ایستادند. پس از نماز بنیانگذار اردو روستای ایگان، مراسم افتتاح فصل جدید و بندگی احمد رضایی بسا حضور حضرت آیت الله مصلح رضای زنجانی بهمانگذار نهضت مقاومت و مبارز صدیق مرحوم صدیق و در طلالقانی برگزار شد. علاوه بر روستائیان زحمتکش، و دا- نشجویان سلمان در این مراسم مادر و پدر رضائیهایی شهید و شهادتیهایی مسلی و مذهبی از جمله آقایان شانه چی نماینده دفتر طلالقانی، حاج موسی شیخیزادگان از زمینداران بازار، علی حاج باباشی ابوالفضل قاسمی (دبیر کل حزب ایران) کسلبان و استادانگه های شرکت داشتند.



در این گردهم آیی بعد از پیام مادر رضای بی ها و سخنرانی استاد گه های نماینده روستائیان ضمن خیر مقدم به شرکت کنندگان از جوانان مجاهد سپاسگزاری کرد. آنگاه نماینده کوهنوردان طرفدار مجاهدین خلق بیاسی خطاب به گروه نمایندگان فراوان شرکت کرد. هنگام ظهر جوانان انقلابی و روستائیان در صفوف نماز جماعتی به امامت آیت الله العزیز جانی نادر بیکار با مصدق و

#### سرمایه داری وابسته پاسداران را در برابر کارگران قرار میزهد

براستی چکسانی کارگران را از خود سر میگردانند؟ چکسانی برادران کارگران را از هر دو در انقلاب تقش می بازی کرده اند و بر ابراهیم قرار میدهند؟ آنان را چنانا تسته بهم بدین میکنند؟ کارگران میگویند شما دیگر برادران نیستید! و بالاخره چکسانی باعث میشوند که انقلاب کارگران بودنی چسب در برابر این موضع بگیرد؟ آیا ایسان سرمایه داران وابسته نیستند؟ اوکسانی که با باغهای آنها سازشکارانه برخورد میکنند آب به آسباب سی و استکان نیی بریزند و انقلاب در احیای استقامت ارسرمایه داری وابسته منحرف نمیکند؟ آیا آن دسته از قسات که علیه منابع کارگران و سرمایه داری وابسته میکنند یک لحظه فکر کرده اند که آخرتانی توده های مسلبونی بیکاران ناسیاتی صورت خود را سرخ نمیدارند؟ آیا نمایندگانی که در گفتمان از کسی کو قرا در داغی بندوباش شیر مردم نمی نازند. باین وضع کوئی دیگر راهی جز حرکت ایود و پیش پای کارگران میباشند. حرکتی در جهت تکلیف سبب از درگیری سرمایه دارانه پاکاه داخلی امیرالیاسم یعنی سپهر سرمایه داری وابسته

کارگران متحصن کارخانه تکنوکار





# تفاوت شوراهای دولتی و شوراهای پیشنهادی 'پدر طالقانی'

## شوراهای هماهنگی باری بر دوش کارگران و زحمتکشان

هموزجهم پدر طالقانی نوشته سوخته دست یگارتشکیل شوراهای محتوایی میبارا آنچه او فریاد میبردندند روزی که دیدیم یگارت دیگر مردمی میمان بستند تا نوزاد های واقعی خداستبداد ، خداستما رو خداستما زحمتکشان که دیدیم خواست تشکیلی دهند با دیدیم منظور را شوراجیت ؟

معنی شوراها سیردن کار مردم بخودشان ، ارج نهادن به قدرت تصمیم گیری شده ها ، واگذاری سرشودت آنها بدست خودشان می باشد ، بهیچا رت دیگر جوهر مفهوم شوراها حرکت دادن شده ها در تصمیم گیری ها و کارهای اجرایی مربوط به خودشان است . دوریک جمله "شورا یعنی قدرت در دست توده ها"

این جوهر در اشکال مختلف با رزومنتجلی میگردد ، و فرم خاص خود را در موارد مختلف پیدا میکند . مثلا "شورا یگارتی دیگر شورای محلی ، شورای دهمن ، شهردیبرستان و ..."

حال هر چیزی را که اسمش "شورا" نگذاریم ، آنرا با معیار "شکرتوده های ذی سهم در تصمیم گیری " مکتب می نوسیم ، و سارین اسم درجه " اصالت شوراها و حتی شورا بدون یا نسدون آنرا تعیین میکنیم .

از سوی دیگر می توان در زیرمنا رتوده های ادامه - بهنده ، راه طالقانی - به سرخوردن رما لیستی به لفظ و شکل شوراها اجبار آتی داد :

شوراها حق تصمیم گیری ندارند چنانچه به تصویب نامه دولت دربار - شوراها روشن شد که با سلب اختیار از اساسی مردم ، و پشت پا زدن بحقوق تاریخی آنها ، طرح مردمی و آزادی پدر طالقانی را زیر پا گذاشت . چرا که اجزای چنین شوراها بی محتوایی مثلا در یک کارخانه ، مفهومی مزدبده گردن حقوق کارگران نه کارفرما و محکومیت آنان ندارد .

بدون اینکه تعدد تحلیل کلی سخننا مبراداشته باشد میباید به ریزه کارها با جمله سازی گردنهای غربی از سیرادیم سرنگانی چند در رابطه با آن اشاره می کنیم .

۱- آنچه که امیرالیم حضور می باید تاخی مردمی بودن پسک طرح با عمل در شرایط فلفلسی هما نظور که پدر طالقانی بارها بر آن تاکید کرده خداستبداد ، استثمار و استثمار می بودن آن است وسلمنا "هرجائی که از این

# اتحاد شوراهای واقعی کارگران در برابر سرمایه داری وابسته بقایای نظام استعماری بزرگترین ضامن تداوم انقلاب است

با این شرح دولتی نمابنده شورای کارکنان بوسه با بیستی دنبال مدیریت واقع در - کارخانه تاخت پخت در اطاق نمابنده کارفرما سرخ کند نه اینکه شورای واقعی - کارکنان یعنی نمایندگان منتخب کارگران و کارمندان در یک انتخابات آزاد تصمیم بگیرند و نماینده کارفرما یا دولت در کارخانه ، مجری آن تصمیمات باشد ، مگر در این اصل اسلامی که توده ها سرچشمه قدرت و اعمال حاکمیت سرشودت خویش هستندتکی است ، اگر چنین است با بیستی از جمله پدرمان طالقانی در این باره اشتداد کنیم که می گفت : "شورای کارکنان بگذازد مردم مسئولیت پیدا کنند"

اگر کسی بی در قدرت اداره امور و موصوما "کارهای کسی مربوط به کارگران می شود بدست ایشان تردید دارند کارگران مین ماه مدیریت خود ایمان دارند و نمونه های تجربی و عملی آنرا امروزه در کارخانجاتی هم چون جهان چیت در کرج مشاهده می کنیم . این با راول نیست که قدرت مدیریت کارکنان منابع ماه نمایش درآند ، به یاد بیاوریم که بعد از آنکه تخریبی که امیرالیم انگلیس برای فلج کردن حکومت مردمی دکتر صادق در منابع نفت ببار آورد ، کارکنان ایرانی علی رغم تمام مشکلات فنی و تخصصی کار چه زود و سریع موفق به بازسازی و اداره امور شدند ، چیزی که امیرالیم خیال آنرا هم نمیکرد ، اینرا هر کسی از یاد برده با دیدگی از رجال گذشته و حال که در این امر نقش بسزایی داشته اند ، تیره است و ای گاش که آویزه گوش میگردند ، اکنون روح همزاد سابق پدر طالقانی تیرا زنده نمیشد ، چگونه ممکن است مثلا "کارگری که نمابنده کارگران کارخانه استیس از انجام کارهای محوله با کفر نظر پاشی از قبیل اجاره رفتن ، فرستی زن و فرزند ، ... ، بشور ، اختفاری و خارج از وقت کار را فرسای روزانه (اصغر) استیسه) دنبال حقوق معنی کارگران و اعمال حاکمیت آنان بر سر سرشودت خویش بدهد ، آیا این فرستادن آنها بدنبال خودسویه نیست؟

و با وقتی هیفت مدیره خودی کفندار را داخل شورای همانندگی فرستادن شوال پیشینیتاید که پس نمابنده رابط کارگران چه کاره است؟ آیا این رابط (نمابنده کارگران) با بیستی تنها چشم و گوش محافظ منابع کارفرما باشد ، و از ترس اینکه نتواند این کار را خوب انجام دهد ، رابط دور از طرف هیفت مدیره

انتخاب می شود تا چنانچه با عدل را داشته باشد و اساسا "چه انگال دارد که کارفرما را با شوه به نتایج فوق الفکر بدور از اعمال نفوذ و قدرت در شورا بگردانیم (نه همچون بند - د مادی - ۲) این اساسا به حق اداره امور را از شورا بگیریم ( و شورادرتا ریش های مشخصی حقوق عادلانه البینه عادلانه در این شرایط ) را به نمایندده ساطوری در کارخانه بپردازد ، در مواردی که که کارخانه در تسلط دولت است شورا موظف باشد کارفرما را و بیسلان کارفرما نماینده دولت تسلیم بکند ، و در مقابل ایشان جوابگو باشد .

۳- باری پرورش کارگران و زحمتکشان هر چند که خطوط کلی این طرح مشخص است ولی با تعیین اشکال خاص اجرایی آن در شورا های مختلف تفاوت خواهد بود ، آن - اساسا شرح خواهد شد ، علی الخصوص که قابلیت انعطاف زیاد دیر غیر مردمی ترکردن آن در مراحل خاص و اجرایی چشم می خورد ، فی السبل اکثر شوراهای کارخانجات از طریق اتحادیه شوراهای با تشکیلات همانندگی و سمیتری (کنفدراسیون) - کنترل قیمت تولیدات را در دست بگیرند و حتی واقعی خود را در نظارت و قیمت گذاری کالاها عهده دار شوند و دیگر کارگری که با هزار زحمت مزد خود را از طریق شورای کارکنان کارخانه آن افزایش داده همراه با آن شاهده افزایش قیمت اجناس با بازار خود دهد ، که در غیر این صورت از این طرف مزد کارگر افزایش می یابد ، و با دیگر اجناس مورد نیاز زوی در بازار ، چون قیمت گذاری نحوه توزیع درست سرمایه داران است می توانند حتی بیش از آنچه شورای کارگران افزایش داده به قیمت محصولات مصرفی بپردازند و با این حساب قدرت خرید کارگر از موقعی که مزدش هم اضافه نشده بود کمتری شود حتی پس روزها شاهدیم که علنا "به بهانه افزایش دستمزد کارگر سرمایه داران بطور روزافزونی قیمت ها را بالای ببرند و - نتیجتا مردم بیختر زیر فشار تورم میروند -

با این شرح دولتی نمابنده شورای کارکنان بوسه با بیستی دنبال مدیریت واقع در - کارخانه تاخت پخت در اطاق نمابنده کارفرما سرخ کند نه اینکه شورای واقعی - کارکنان یعنی نمایندگان منتخب کارگران و کارمندان در یک انتخابات آزاد تصمیم بگیرند و نماینده کارفرما یا دولت در کارخانه ، مجری آن تصمیمات باشد ، مگر در این اصل اسلامی که توده ها سرچشمه قدرت و اعمال حاکمیت سرشودت خویش هستندتکی است ، اگر چنین است با بیستی از جمله پدرمان طالقانی در این باره اشتداد کنیم که می گفت : "شورای کارکنان بگذازد مردم مسئولیت پیدا کنند"

اگر کسی بی در قدرت اداره امور و موصوما "کارهای کسی مربوط به کارگران می شود بدست ایشان تردید دارند کارگران مین ماه مدیریت خود ایمان دارند و نمونه های تجربی و عملی آنرا امروزه در کارخانجاتی هم چون جهان چیت در کرج مشاهده می کنیم . این با راول نیست که قدرت مدیریت کارکنان منابع ماه نمایش درآند ، به یاد بیاوریم که بعد از آنکه تخریبی که امیرالیم انگلیس برای فلج کردن حکومت مردمی دکتر صادق در منابع نفت ببار آورد ، کارکنان ایرانی علی رغم تمام مشکلات فنی و تخصصی کار چه زود و سریع موفق به بازسازی و اداره امور شدند ، چیزی که امیرالیم خیال آنرا هم نمیکرد ، اینرا هر کسی از یاد برده با دیدگی از رجال گذشته و حال که در این امر نقش بسزایی داشته اند ، تیره است و ای گاش که آویزه گوش میگردند ، اکنون روح همزاد سابق پدر طالقانی تیرا زنده نمیشد ، چگونه ممکن است مثلا "کارگری که نمابنده کارگران کارخانه استیس از انجام کارهای محوله با کفر نظر پاشی از قبیل اجاره رفتن ، فرستی زن و فرزند ، ... ، بشور ، اختفاری و خارج از وقت کار را فرسای روزانه (اصغر) استیسه) دنبال حقوق معنی کارگران و اعمال حاکمیت آنان بر سر سرشودت خویش بدهد ، آیا این فرستادن آنها بدنبال خودسویه نیست؟

و با وقتی هیفت مدیره خودی کفندار را داخل شورای همانندگی فرستادن شوال پیشینیتاید که پس نمابنده رابط کارگران چه کاره است؟ آیا این رابط (نمابنده کارگران) با بیستی تنها چشم و گوش محافظ منابع کارفرما باشد ، و از ترس اینکه نتواند این کار را خوب انجام دهد ، رابط دور از طرف هیفت مدیره

مادر رضائی ها : فرزندان شهید امام احمد در کوهنوردی آر آر ایگان "وسپهرای محبور میگردد که امکان شای بارنجهای مردم محروم را داشته باشد ."

انقلابی شهیدیکه در سیاهترین سال - مبارزه بر علیه بی عدالتی را افروخت ، سالهای ساهی که مردم شندید با گران در زیر زنجی جانگاہ و مقری اعنان برساند از روزگار سخت خویش را میگرداندند . دهانهای محروم ، پس از سالها تحمل زورگویی اربابان ، با اصلاحات ارضی دروغین دچار نوبله های ننگین شاه جلد شده و در دستگیری کاره سرها سرازیر عدالتیهای اربابان جدید یعنی سرمایه داران میشدند ، قری شدید خرمن هستی دهانان کزده کارگران و دیگر مردم ستمدیده ، اربان را در آتش کفر و موش میوزاندند . در همین ایام مدهای انقلابی بیک آزاده که در مکتب مبارزات انقلابی پال طالقانی ( بار و پختیان دکتر محمد صادق رهبر فقید مبارزات خداستما سرشوق زمین و همسنگر آیت الله زنجانی در نهضت مقاومت ) بیرون آرد ، و اربان و رفیقانش تا بدیده بود ، برای کردن راه مبارزه سلطانه ، مبارزهای برای ایجاد اساسی طبقه توحیدی گرد هم آمدند و سازمانی سیاسی ایدئولوژی اسلامی را بنیان نهادند .

انقلابی سدی که در دست مردم رجمتکشان ایران را بنامش میوزاند ، و در پهنای اصلی این ظلم را که همان استعمار آمریکا و رژیم دست نشانده اش بود در دهانان از یک طرف فقر و کسبندی عمده دیگر شاهد غمگنانه های میباران اربابها و سرمایه داران و دیگر عمال شاه جنایتکار بودند ، مجاهدین در باقیه بودند که نامه ، بی طبقه توحیدی و بدون فقر و کسبندی تنها با تکبیر محرومترین طبقات یعنی کارگران و دهقانان و بدست آنان ساخته خواهد شد .

آنان در سفرهای خود به روستاها با قلبی ملو از عشق به توده زحمتکشان و تحت ستم بودند خویش را با آنان محکم تر می نمودند و همیشه این کلام امام صادق (ع) را نجوا میکردند که : "لزوم کلازوع و کسو

گازایش یابان اردوی سازندگی رابرای جامعه ما فدا نمود ، یعنی مجاهد شهید احمد رضائی ، آنرا بنامش نامگذاری نمودیم ."

مجاهدین و زحمتکشان روستا

انقلابی شهیدیکه در سیاهترین سال - مبارزه بر علیه بی عدالتی را افروخت ، سالهای ساهی که مردم شندید با گران در زیر زنجی جانگاہ و مقری اعنان برساند از روزگار سخت خویش را میگرداندند . دهانهای محروم ، پس از سالها تحمل زورگویی اربابان ، با اصلاحات ارضی دروغین دچار نوبله های ننگین شاه جلد شده و در دستگیری کاره سرها سرازیر عدالتیهای اربابان جدید یعنی سرمایه داران میشدند ، قری شدید خرمن هستی دهانان کزده کارگران و دیگر مردم ستمدیده ، اربان را در آتش کفر و موش میوزاندند . در همین ایام مدهای انقلابی بیک آزاده که در مکتب مبارزات انقلابی پال طالقانی ( بار و پختیان دکتر محمد صادق رهبر فقید مبارزات خداستما سرشوق زمین و همسنگر آیت الله زنجانی در نهضت مقاومت ) بیرون آرد ، و اربان و رفیقانش تا بدیده بود ، برای کردن راه مبارزه سلطانه ، مبارزهای برای ایجاد اساسی طبقه توحیدی گرد هم آمدند و سازمانی سیاسی ایدئولوژی اسلامی را بنیان نهادند .

انقلابی سدی که در دست مردم رجمتکشان ایران را بنامش میوزاند ، و در پهنای اصلی این ظلم را که همان استعمار آمریکا و رژیم دست نشانده اش بود در دهانان از یک طرف فقر و کسبندی عمده دیگر شاهد غمگنانه های میباران اربابها و سرمایه داران و دیگر عمال شاه جنایتکار بودند ، مجاهدین در باقیه بودند که نامه ، بی طبقه توحیدی و بدون فقر و کسبندی تنها با تکبیر محرومترین طبقات یعنی کارگران و دهقانان و بدست آنان ساخته خواهد شد .

آنان در سفرهای خود به روستاها با قلبی ملو از عشق به توده زحمتکشان و تحت ستم بودند خویش را با آنان محکم تر می نمودند و همیشه این کلام امام صادق (ع) را نجوا میکردند که : "لزوم کلازوع و کسو

گان غاص" (گشت و محمول به اعزاز صلح دارد و لولویکه زمین آن را غصب کرده باشد ) .

ادامه کار با کمی امکانات ، گردان دهان روزی و تلاش در تعیین اکنون که انقلاب ایران با تقدیم دنیا هزار شهید است ، سخن جامعه انقلابی شهیدان ، جامعه ای آزاد ، بی طبقات و توحیدی میباشد .

میرود افراد و گروههایی میخوانند باز به دانستنیهای فطردین مین اسلام سرپای بین طبقات مستکبر و مستضعف زد موضوع را به بیرون از گذشته (طایفه) بازگرداندند و چون میبوند گروههای انقلابی را با مردم ازین سیرند ، آنها همان مرتجعین هستند و محکوم به فنا می باشند .

همانطور که شاهدید ما نیز برای ادامه وظیفه انقلابی که همان حرکت در جهت نافع زحمتکشان است با اصلاحات پدر - هم آنگی شورای روستاهای " ایزد آنگان گلواں ، گلپا و ولپستان " تصمیم گرفتیم با هم پامورترین نیازهای این روستاها را یک مدرسه و یکپهل در محل بسازیم ، لذا همای برنامهای سیاسی - ایدئولوژیک خود به ساختن بیل و مدرسه پرداختیم .

باند تا با تحمل تهرای از سنگینی کسار طاقت فرسای زحمتکشان ، عشق به توده ها و ایمانشان و ادور خود مستحکم سازیم گرچه باند تا با تحمل تهرای از سنگینی کسار مرتجعین برای سیردن کردن مار روستا با ضافه کمی امکانات ، کار را سخت تر میکرد ولی وجود شمار روستائیان در کار رسان و پشت کردنتان به مرتجعین به ما دلگرمی و نشاط میبخشد . با این امید که با همکاری شهیدان و با دارا بشیم و طبق فرموده علی



ما در مملکت تا هنشا هی زندگی می کنیم " چرا که با بیستی محتوای سیستم رایا و ویژگیهای خداستمدادی و ضد استثماراری بالایش کنیم نه اینکه شکل و ظاهر شورای بی بکنیم و بی نشاندن از برای بست و پیران باشد . و در این طرح چیزی که مشخص شده همین ویژگیهاست ، خرابیها را با رابطه قلمام آمیزگی روی آن ، اینهمه تا کشیده (بند - ۲) ، تبصره مواد اول اساسنامه پونمود عینی آن در بیشتر کارخانجات رابطه بین کارفرما با کارگر است بدون توجه به خواستهای آنها ، خواهانه و مذهبده کسی کارگران را به معنی میداند؟ قطعاً در این شرایط هیچ نیروی اصولی خواست رهاختیم کشیدن رابطه شوراهای مدیریت در کارخانجات نیست علی الخصوص که مدیریت بعضی از آنها را دولت بعهده دارد ولی با بیستی قاطعانه با مشخص کردن حدود ملاحظت و وظایف مدیران ، آنان را به استخدام نافع شرادار آورد . چون در غیر این صورت سرمایه داری وابسته و روسیه وابستگی از اجبار بند خلقی خود برای پمال کردن حقوق حق"

انقلابی شهیدیکه در سیاهترین سال - مبارزه بر علیه بی عدالتی را افروخت ، سالهای ساهی که مردم شندید با گران در زیر زنجی جانگاہ و مقری اعنان برساند از روزگار سخت خویش را میگرداندند . دهانهای محروم ، پس از سالها تحمل زورگویی اربابان ، با اصلاحات ارضی دروغین دچار نوبله های ننگین شاه جلد شده و در دستگیری کاره سرها سرازیر عدالتیهای اربابان جدید یعنی سرمایه داران میشدند ، قری شدید خرمن هستی دهانان کزده کارگران و دیگر مردم ستمدیده ، اربان را در آتش کفر و موش میوزاندند . در همین ایام مدهای انقلابی بیک آزاده که در مکتب مبارزات انقلابی پال طالقانی ( بار و پختیان دکتر محمد صادق رهبر فقید مبارزات خداستما سرشوق زمین و همسنگر آیت الله زنجانی در نهضت مقاومت ) بیرون آرد ، و اربان و رفیقانش تا بدیده بود ، برای کردن راه مبارزه سلطانه ، مبارزهای برای ایجاد اساسی طبقه توحیدی گرد هم آمدند و سازمانی سیاسی ایدئولوژی اسلامی را بنیان نهادند .

انقلابی سدی که در دست مردم رجمتکشان ایران را بنامش میوزاند ، و در پهنای اصلی این ظلم را که همان استعمار آمریکا و رژیم دست نشانده اش بود در دهانان از یک طرف فقر و کسبندی عمده دیگر شاهد غمگنانه های میباران اربابها و سرمایه داران و دیگر عمال شاه جنایتکار بودند ، مجاهدین در باقیه بودند که نامه ، بی طبقه توحیدی و بدون فقر و کسبندی تنها با تکبیر محرومترین طبقات یعنی کارگران و دهقانان و بدست آنان ساخته خواهد شد .

آنان در سفرهای خود به روستاها با قلبی ملو از عشق به توده زحمتکشان و تحت ستم بودند خویش را با آنان محکم تر می نمودند و همیشه این کلام امام صادق (ع) را نجوا میکردند که : "لزوم کلازوع و کسو









خاطراتی از "پدر طالقانی"

بقلم مصدق

گزارش و تطبیق از فاجعه انزلی

بقلم مصدق

غذای پدر  
شب حدود ساعت ۱۱، پدر  
بعدا زیک بمدّ زظهر بسا بطول  
ویرکار در دفترشان، ما را در  
خانه بر سر سفره، نام پذیرفتند  
چند نفری تا آن، مقداری پنیر و  
سزی و اگر درست یاد ما شد  
چند قاشق هسوانه، خودشان  
شروع کردند خوردن و ما  
هم گفتیم بخورید؟  
ما گفتیم: آقا شام شاهم  
هستیم است؟  
پدر فرمود: چطور، شما چیز  
دیگری میخواهید؟  
و آنگاه، قهبل از اینکه ما  
حواس بدهیم، تکی از هسل  
مسزل را صادر کردند و گفتند: چیزی  
دیگری در خانه نیست؟ بعد از  
چند لحظه یک مددی آمد گفت  
کوچک که معلوم بود از ظهر در  
خیال خانه ما نه در این اطالی



پدر طالقانی مجلس خیرگان را ترک می کند!

در حاشیه مجلس خیرگان

در اسلام بی محتوای مجلس  
خیرگان است که از همه ای "پدر"  
و "انقلابی" که با جمود و نسیات  
گرافیک فکرتودالی در نماز اول  
است و از پیش تنوی همین امض  
حذف کرده، حتی در این نمود یکی  
از نمایندگان تا بداند اگر رفت که  
میراث گفت: "من از کلمه"  
"انقلابی و حجت دارم" (طلمسه  
یکشنبه ۵۸/۱۱/۱۱)

بنابر این آنچه که ایشان  
بر آن نام "اسلام" می گذارند  
آمیخته است از فرهنگ حاکم  
بر مناسبات و شیوه زندگی طبقاتی  
که مذهب را در خدمت خود گرفته  
و طی قرنها سو استفاده کرده، غرض  
غرض روزی و تحریفه، طلمسه ای  
از گرافیکهای شرکت آمیز ساخته  
است.

ایدئولوژی شرکت و خدای ذهنی  
تصویری که مذهب فوق از  
حقیقت هستی و آفرینش سرسیم  
می نماید یک تصویر است. نیست.  
چرا که نمی توان به یک  
ایدئولوژی واقع گرا بانه و  
شناخت منطبق با واقعیت هستی  
دستی یافت، مگر آنکه مواضع نام  
عاری از هرگونه خود محوری و  
کرایشهای شرکت آلود باشد، حال  
آنکه محوری که این مذهب  
از واقعیت با رنجی ارائه میدهد،  
در مرکز آن گرایشهای طبقاتی و  
نمایان ذهنی خود آنها قرار دارد،  
بنابراین ما از عمل ایشان  
به غیرواقعی بودن و ذهنی بودن  
تصویر آنها زکّل و خود بی مبهریم،  
والا چگونه ممکن است کسی بی  
خود ما عقاید داشته باشد در کل  
منشی جیت مل همه تفکرها را بر  
"حجت" و "انقلابی" در قلمرو  
چا مع "خود ما" چنانچه از کوه  
دوگانگی و نظام طبقاتی محض  
بگذارد.

آرا و بیرونی این مذهب  
یک خدای ذهنی است. خدایی  
که اراده کرده تا بجای حاکم  
گردانید و مستغنیان بر زمین  
از استعمارگران و تقسیم بندی  
طبقاتی چا معه پیشمانی کند!  
کاری که در قرآن به فرعون  
نسبت داده شده است (سوره  
قصص آیه ۴)، خدای خود که در طول

رد "نظام توحیدی" نقض آشکار میثاق خونین شهدای انقلاب

بقلم مصدق

تاریخ در قالبیت و بت پرستی  
همواره تنها دلیلی نبوده توحیدی  
را تشکیل میداد است. خدای  
برده داران و اربابان و سرزمینه  
داران و خدای کشیان کلیسا و  
موبدان و رهبرانی که بوکالت از  
ما حیان زرو طیفه تعدیرو تحقیق  
دوده ها را بر همه داشته اند.  
حتی وقتی هم که عده ای از  
غیرگان نظام الهی را در مقابل  
نظام توحیدی مطرح میکنند  
جز جدیت با توحید و حذف آن  
ندارند، همانند که در دوران  
مشروطه، ارتجاعی مونی که میخواستند  
از موضع حفظ نظام موجود مشروطه  
خواهان و رایگوند، "مشروطه"  
را اعلام کردند.

از نظر ایشان نظام اجتماعی  
مطلوب چیزی ز جهان نظام  
طبقاتی که گویا عده (البته  
خدای ذهنی ایشان) است و  
جا و دانی آنرا تضمین کرده  
نیست. نظری که در آن هر کس  
بهراند، هر که خدا به او داده  
میخواهد نشود داشته باشد!  
و سرزمینهای طبقاتی هم مثل  
"خدا" بر حق و خدش نباید  
است!

این سائله امروز و دیروز  
هم نیست، در طول تاریخ همیشه  
طبقات حاکم برای سرسری  
گذشتن بر روی مقاصد  
استعمارگران خود می میگردد  
برای اقدامات خدشائی و ضد  
خلقی خود، توجیه شرعی و دینی  
پیدا کنند، به همین دلیل بود که  
ابودرسر بر سطحی ای که در زیر بود  
مذهب و با شعار "السال مال الله"  
سرما به داری را احیا کرده بود،  
فریاد بر آورد که بگوئیم "السال"  
و زیرا وقتی تومی گوئی "مال الله"  
بندید آن خود را هم نمایند  
عده افسد می کشند و آنگاه همه  
مردم را میورای

در اروپای قرون وسطی نیز  
فئودالها و اربابان، نظام  
فئودالی را تحت عنوان "نظام  
الهی" مقدس و غیر قابل تغییر  
جلوه می دادند. قیام های دهقانی  
نیز در این دوران تحت عنوان  
عیسان بر ضد نظام الهی بر ضد  
زندگی سرکوب میگردد (کتاب  
سینر تحولات اجتماعی

پیش برینداز یکی دوسه سال  
پیش آمدند کلمه نظام توحیدی  
را اختراع کردند...  
گروا اینکه بهترین پاسخ در  
برابر این مرا هم ارتجاعی  
می باشد. بطوریکه لازمالاجاب  
تا چاروبه برای آنکه معلوم شود  
چه گسائی فی الواقع بر مومانی  
می کنند، متذکر شویم که ما  
چا معه توحیدی و عاری از استعمار  
طبقاتی را نه از یکی دوسه سال  
پیش بلکه از چا معه "و احد"  
بشری که از ۳۰ سال پیش در رابطه با  
دوازدهمین پیشوای انقلابی  
تشیع بنا و عده داده شده، ملهم  
گشته ایم. این چا معه با غرضیات  
زیر منشی می شود:

۱- جدا کردن مردمی و تکی  
و بهره گیری از مواهب و ترویج  
طبیعی و وصول به یکسانی و  
بر کارگاری انسان با طبیعت  
(خطبه ۱۲۸ نهج البلاغه)

۲- هرگونه ظلم و ستم و  
بهره کشی و اختیای ریشه کن  
شده، توجیه اشری از طبقات  
انحما و طلب سلطه و خودیست  
۳- اقتصاد دیوبلی و تفکر کلاسی  
برچیده میشود و هیچ اشری از  
و سود پرستی زای نمی ماند.  
۴- بنا بر این زمینه ها و شرایط  
عینی، هیچ خطی برای خند و  
برادر کشی و تها و زبانی نیست  
و طبع و مفاد در تمام عالم برقرار  
می گردد. ۵- با فرور ریختن  
بنای ستم و استعمار دیکر بر  
حاکمیت خا می طبقاتی و ملی  
زاد و امثالهم نرسد چا  
نمانده و چا معه و حد جهانی تالیس  
می شود. ۶- منتقدی شدن هرگونه  
حیات و رفا دو کینه ها و عده های  
بشری...

حال اگر چنانچه با زهم این  
نظام توحیدی از دیدگاه خداین  
خبرگاری، کنونیستی، به نظر  
میرسد بگرند، این دسته از  
نمایندگان غیرگان و نه رژیم  
شاه - که به ما مارک پارکمیست  
اسلامی - می رود ما را مقصر  
نشانرند، بلکه قبل از هر چیز  
می بایست تکلیف خودشان را با  
اسلام محدود ملی و وحشی و... و  
سهدی روشن کنند. (تا تمام)

۱۱ ببار ۱

شورای امنیت شهر تصمیم به خروج پاسد  
ارن میگردد. آیتضی این تصمیم و اعزام  
باید از آن گنگی، معرک و موجب شوهای  
ریخته شده روز بعد نیست؟ تاکی باید به  
آگاهی توده های مردم کم باشد؟ چرا  
باید وقتی توافق شد که ساها پاسداران  
انزلی خارج شوند بجای اجرای آنرا بر  
مردم بواجب با اعزام پاسداران تهران  
شوند و آیتضی این حقوق توده های مردمی  
را که حالا دیگر آگاه شده اند، با پاسدار  
و سپس از آنها انتظار تنگین داشت؟

صید و حفظ آن از کارهای بی روجه، علاوه  
قصد پذیرفتن نیست. در انجام این هدف  
و حل مشکلات آن، پاسداران گرا - به  
مقاتات مربوطه را جمع کردند و طرح خواست  
ها و نظراتشان را به مقامات می دهند. در  
اولین مهر سیناری با حضور مقامات  
استان گیلان و مازندران و شلالت تشکیل  
می شود. نمایندگان پاسداران خواسته های  
خود را مبنی بر آزادی صید و استفاده  
جمعی آنان در شلات مطرح میکنند. اما  
با مخالفت مدیران شلات مواجه میشوند  
این جلسه و جلسات بعدی بدون نتیجه  
خاتمه یافته، و قرار میگیرد با وزیر کشاورزی  
مداکره کنند. تا این باور وجود برپای زندگی و کار  
آنها نمایندگان پاسداران نیز بدون کب  
نتیجه یابان میگردد. در روز ۲۲ مهر در  
جلسه ای با حضور نمایندگان پاسداران  
نماینده امام و شلالت، متن توافقنامه ای  
در ۹ ماده مبنی بر آزادی صید سنتی در دریا  
باضا طرفین میرسد. اما در روزهای بعد  
پاسداران به انزلی بعد از آماز درگیری و  
تیز اندازی های بود که خون ناحق  
زمین ریخته و آبرو را در سالها عاثر  
اهمیت در اینجا نقش پاسداران بیخوشی  
مسئولین و تصمیم گیرندگان است. وزیر  
برقائی است که مخصوصا در مورد  
انتخاب فرماندهان و سوابق ایشان باید  
اعمال گردد. پاسداران رشت که طوسی  
ماه های اول انقلاب، اقداماتشان مورد  
تأیید مردم و حمایت ایشان بود، اما عنوان  
دلایل نا موچه تصفیه و برکناری میشوند.

انتخابات بعدی بدون لایحه و  
بدانگهی نتایجی با بارها سرورد کرده  
ایع اخیر انزلی نقطه عطف آن است.  
سؤالات بسیاری نیز در این رابطه طرح  
است. مثلا: اینکه اصولا چرا باید  
مسئولین ساه بناحق در مقابل خواست  
های منطقی مردم بر حسب توطئه برخورد  
انقلابی آنها برزند  
بعد از خونریزی روز اول و قتل  
پاسداران شهیدی که نقش و سهرت خود  
را در قبال خلق تشخص دادند و عنوان  
نمونه از داری در مقابل جمعیت پاسداران  
منهض اسلحه خود را به شانه برادری  
و تاهام به آنها تحویل میدهند و حاضر  
برادر کشی نمی شود. پاسداران نیز با  
بسیه پاسداران اسلحه را بیاورن داده و  
سکیند ما هم برای جنگ به اینجا  
سایده ام و بدین وسیله ثابت میکنند  
که خواستار غشوت نیستند بلکه فقط  
برای مطالبه حق خود آمده اند.  
این شلات که منافع در خطر  
افتاده از پاسداران دیگری کف میگردد.  
و معج تحریکها فاجعه ایبار می آرد. و  
انجاست که باید به همه مسئولین و  
دست اندازگان هندار ادکاگر متعقد  
به ادای حقوق کارگران و زحمتکاران  
نیستند، فراموش نکند که تعرض به حق  
حیات و زندگی زحمتکاران نتیجه ای جز  
انفجار جامعه بدنیال نخواهد داشت.  
برخورد واقع بینانه با سلف انزلی، مانها  
که می خواهد بند گردن تهرمای آموخته  
میدهد. و آن اینکه اگر قدرتی میخواهد  
مردمی بماند پس نتواند خواسته های  
منطقی مردم را باطله یا خدش بدد، حتی  
اگر آن حق صنی را برای مردم به رسمیت  
نشناسد. اما این تکبر اهرام از بدنیست  
برد کارگاران حق پاسداران را به رسمیت  
نشناس طبیعی ترین حق آنان را که حق  
زندگی کردن است زیر پا گذاشته است.

شوراهای مردمی تپاره اصل  
وقایع اخیر انزلی برای چندمین  
بار سالهای اخیر مطرح نمیشد. سالهاست  
پاسداران و شهزنان امنیت، سالهاست  
خلق های تحت ستمی است که با راستنار  
سالیان دراز را بر دوش دارند. حل آن  
نیز به صورت شلر بلکه در نظر کرفس  
آن بمنزله یک واقیعت امکان پذیر است.  
واقعیت وجود خلقی استارنده که حق  
حیات انسانی - اجتماعی خود ای -  
خواهد. و اینجاست که باید مسائل انسان  
های رنج کشیده ای که تپس سرمایه شان  
کار با نیست، بر همه به تکرار اولویت پیدا  
کند. اولویت سالهاست که در محکوم  
صید، توجیه دادن ما بگرند مردم  
به مای و مقدم داشتن زندگی و حداقل  
سعیت مردم بر سوابق و مقررات، با بارها  
این واقعیت را با تپه بر تپه ای که تا  
بسیتر از خود کارگران و پاسداران در مورد  
سائل کارگریشان و محیط کارشان گسی  
نیست و نیز خود آنان این توانایی را  
دارند که بهترین راه حل را در جبران کار  
زندگی شان بیابند. اگر چه در آثار  
شکلاهی هم مواجه شوند.  
در این میان مسئولیت عناصر آگاه  
تجریه اندوختن از توده ها و هدایت حرکت  
آنها در مسیر بر آوردن خواسته های حق  
آنها در جراحی حلی تها اصلی جا -  
معناست. و وقتی که توسط همین مردم  
در جبران انقلاب و سز آن برای حل  
نیات انجاری پیدا کند و قدرت تاقوسی  
راه بخود ایشان بدهد. تا زمانیکه مقامات  
درستی امتدای خود نسبت به مردم و انکار  
تاریخشان نشان میدهد و نظر بر تپه  
نمایند چنین فاجعه های خواهیم بود.  
فجایه ای که کمین آن هر دو در تاریخ و عنوان  
"جنایت" یاد شود. فاعتر و با و با و با



# اهمیت شیوه‌های مناسب و اصولی در مبارزه انقلابی - مکتبی

۱۳۲۷ (۱۳۲۷) "اندلس" بعنوان نمونه الگوی تمام مردم معرفی شده که به معنای آتش و بیرونی با خصوصیت "انقلابی ترین" و "تکامل یافته ترین"، در طبقه سوسیالیستی ترقی خواه می‌باشد. بنابراین "طبقه اول" - طبقه سوسیالیست - طبقه سوسیالیست متناهی ترین و صمیمی ترین رابطه مبارزات دیگر شیوه اصولی و راه حل انقلابی است حال آنکه در برداشت ها و استنباطات عامیانه "طبقه اول" مترادف با راه وسط و میانه و بی نهایتی انگاشته می‌شود. راه سازشکارانه و میانه گرایانه ای بین حق و باطل، که با ملاحظه نه سخن می‌گوید و نه کتاب، به تعبیر دیگر هوای هر دو طرف را داشتن و دوگانه برخورد کردن، حال آنکه چنین استنباطاتی، یک تفکر شکست آمیز بوده، و به کلی با روح اسلام واقعی بیگانه است. ما با برخی استنباطات سوسیالیستی و سوسیالیستانه در هر دو طرف باطل هستیم که باطل را گرفته و با باطل مبارزه کنیم.

این برداشت غلط در زمین مکتبی دیدگاه مکتبی که میان چنین تفکراتی نیز هست "وسط" از این دیدگاه درست همانند آنچه در هندسه بعنوان بین دو سر یک پاره خط مشخص می‌شود، تعریف می‌گردد. بنابراین استنباط رایج از این واژه همین موضع برخورد سوسیالیستانه است. دیدگاه مکتبی که در مورد مبارزه سوسیالیستی در هر دو طرف باطل است، تعریف می‌شود. این تعریف خود بی "نقد و استنباط" و "بذریع" استنباط سوسیالیستی "راه وسط" به همان مفهوم میانه و ساین (راستی - چپ) یعنی "استنباط در این دو طرف" قبول می‌کند. این اقتضای بر اساس همین اسلام را که میان راه وسط و سوسیالیست داری و کمونیسم معرفی کند. (راست) و سوسیالیست اسلام را در روی محور انقلاب از یک سوی یکسان ترسیم می‌کند. حال آنکه تراز مارکسیسم نیز قبول می‌دهد. حال آنکه با اعتقاد به این تراز و اصول سوسیالیستی بدلیل نفی کامل استنباط و سوسیالیسم و نفی آن بالاتر از مارکسیسم و در سستی چپ آن قرار دارد.

همین نمونه خوبی تفاوت کلی عظیم میان اسلام و سوسیالیسم در هر دو طرفی را نشان می‌دهد. میبینیم که وقتی از دید محدود و تنگ نظرانه به مطالعه سوسیالیستی و فرقی نگریسته می‌شود، چگونه سوسیالیست و انقلابی و وارونه می‌شوند. اینجاست که ضرورت تشخیص میان راه های ایدئولوژیک در رابطه با مذهب سنتی معلوم می‌گردد. بدون این بررسی در هر دو طرف باطل و سوسیالیسم و (و اینها بلاغ) دست نخواهیم یافت.

## اهمیت کاربرد شیوه‌های صحیح و اصولی در مبارزه انقلابی و مکتبی

امام در ادامه سخنانش درباره اهمیت اتخاذ شیوه درست و انتخاب آثار آن می‌گوید: "بنا بر آنکه خدا این عمل را در کتاب و آرزوهای ایدئولوژیک احیا شده آثار و دست آوردهای انبیا حراست می‌کند. ... قلیت باقی باقی است و قلیت باقی است." اصولاً فهم دقیق و عمیق آثار قرآن نیز جز بایک تکرش و روش همجانبه و انقلابی (طبقه اول) که در برتو مبارزه انقلابی و حرکت بروی خطوط و اصولی حاصل می‌شود، میر نهیست. اینجاست که دیدن سیم قرآن آشکار می‌گردد. و سوسیالیست آن منتاب با روح و طبع سوسیالیست است و خواهد شد. در این صورت است که از این داشته‌های مکتبی خواصم است، و سوسیالیست حقیقت نطق و ابندی آن را در جریان حرکت تاریخ و تحولات جامعه معاصر مایم (راست) و سوسیالیست کتاب دنیا سیم قرآن را جمع کند. به ترتیب کتاب و با استنباطات سوسیالیستی در سوسیالیست باقی نگذاشته و متقابلاً تکرش قرآنی نوع مارا به طریق اصولی و انقلابی و "وسط" در همین خواهد ضرورت شناسایی حدود صلاحیت و تعیین موضع هر فرد و واج - بران

## اهمیت کسانی را که بایک برداشت غیر توحیدی از رابطه فرد و سیستم مسؤلیت و وظایف مبرم خود را فراموش میکنند

اگر در برخورد با شیوه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی در امر حمایت از حق تصور کنیم، دامنه حق خود ما را دچار خسارت و انحراف می‌کند. زیرا در یک نظرگاه دیالکتیکی مبتنی بر جهان بینی توحیدی، هرگز نمی‌توانیم از خطوط صحیح در درجه اول (و بطور استراتژیک) به ضرر خود تجاوز کنیم. سخن ما می‌باشد، آنکه ریشه‌های انحراف را بمان می‌نماید.

در همین حال شرایط خاص سیاسی جامعه را در نظرمان، وجود فرصت طلایی ها و انحراف ناخودآگاه سوسیالیستی میان تپائل و سران قوم را نشان می‌دهد. همانند سوسیالیست که در این رابطه با مذهب اسلام و سوسیالیسم با هم می‌آمیزد. غلطی که با آن سوسیالیست و سوسیالیست می‌کند، گردن نمی‌تاباند. در رابطه بعدی ۱۷ امام بیشتر به فضل نتایج سو و زیانهای که رهبری سوسیالیست می‌کند پرداخته می‌شود. چنانچه مراد است (چنانچه مراد است) امام همین اضافه میکند که برای آدمی هیچ چیزی بالاتر از این نیست که موضع و جهت صلاحیت خود را تشخیص دهد. "و کذلک یالکجه ان لا یختر فی فرقه" بدین معنی است که هرگونه ادعای فرقه طلبانه و سوسیالیستی در برابر حق و با شش خود محدود صلاحیت خود در هر دو طرفی، میانگر خودخواهی و خودمحوری و عدم تفاوت است.

## و هوای اصلاحی

سپس می‌گوید: "... ان لا یختر فی فرقه" یعنی "هرگز ناپدید نمی‌شود بر اساس هیچگاه که بر پایه" تقوایان نباشد باشد هیچگاه غش نمی‌گردد. ... به معنی فوق در واقع هشدار است که علاوه اگر شما صداقت ندانستاید، محال است متوجه کاری از پیش برود. اگر چه ظاهر و درنگ و مدت بیشتر نتایج این نصیحتان نباشد. زیرا که در آن جهان هیچ موفقیت روشد و از این بندگان نمی‌آید. مگر آنکه در کارهای و در موضع مادی مادی باشد. "و یختر فی فرقه" "منو ان لکم قدم یختر یختر یختر" (پوشش آیه ۲) (بشارت میده آنکه به پروردگار خوش خبری بدهند چرا که آنها را است کام - های صادقانه ای که مگر پروردگار کامل بخش جهان برداشته.) از اینرو آنها را که کمترین تأثیر نماند انحراف موجود به موضع تا نرسد کشیده شده اند. چنانچه صادقانه خواهند استنباطات خود را تصحیح کنند. تنبیهی راه برایشان وجود دارد. و آن اینست که در اولین قدم موضع و دعای فرقه طلبانه اولین اثرات خود، و در جای خود خود را فراموش کند. "فانتخروا فی بیوتکم و اقلخوا ذلک یختر" (همچون مردمان هاتنا نبورید، و ما صلاحی در مسائل درونی خود پیدا کنید). زیرا تاریخی فرود بر جهان بی موعود و خطوط انحرافی قرار دارد؛ محال است بتواند کوچکترین قدمی در جهت حل مسائل خود بردارد. محال است آن که به

تمام موضوعی‌های هر دو طرفی بیرونی خود خاتمه دهد، و به حل تضادها و مسائل داخلی خود اقدام نکند. تنها در این صورت است که یک فرد با جریان خواهد توانست تضادها و مشکلات خود را بدرستی بشناسد. آنکه در زمینه‌های با زکنت به عیب جمیع (توبه) می‌گردد. "والتوبه من ذنوبکم و توبه و بازگشت پیش روی شماست (دنباله کارتان باشد)."

مکتبی قابل توجه در نحوه برخورد امام که ضمن سخنانی فوق مشاهده می‌گردد، اینست که امام در مواجهه با جریانهای انحرافی هرگز وارد مداخلات و بحث‌های بی‌نیجه نمی‌شود. بلکه آنها را با شناخت محدود صلاحیت آنان و تعیین موضع سیاسی فراموش می‌کند، مبارز دیگر، علی در برابر خود با مدعیان کسل‌مانند آنها تضاد ایدئولوژیک را در جای ورود به تفراس تضادها و بحث‌های مربوطه بیان می‌کند، ضرورتی است سیاسی تأکید می‌نماید.

اهمیت تعیین کننده حل مسائل داخلی در یک جنبش امام در همین حال را تأیید می‌کند خود را مشخص می‌کند. مبارزه بی پایان داخلی تا محو کامل آثار نظام کهنه طبقاتی، او بر خلاف شیوه غلط، پیشین که برای سر - پوشش خودتئوری‌های سؤال درونی است - جنگ‌های خارجی سپردا کنند، حاصل تضادهای داخلی را وظیفه اصلی مرحله - ای جنبش تشخیص داده و آن را در انتها چاره قطعی برای ریشه‌کنی باقی تفرقه و نفاق می‌داند. لازم به تذکر نیست که در مبارزه انقلابی حل مسائل و تضادهای درونی از چه اهمیت زیادی بر خود دارد. همینقدر مبتوانیم گفت، بدون حل این تضادها و بدون برخورداری از وحدت و انسجام کافی، هرگز نمیتوان هیچگونه سوسیالیستی حسی در زمینه‌های خارجی نمود. البته اینکه به باور ما درونی و پایه گفته "علی" اصلاح ذات البین کار اصلی را تشکیل می‌دهد، بستگی به تحلیل مشخص از شرایط دارد.

## بازگشت به خط صحیح و مسؤلیت تک تک افراد

روشن است این تضادها نهایتاً به سمت وحدت و جهت بیان هدف برتر و تکامل بخش هستی (رَبِّ) حل می‌شوند. از اینرو همه جنبش‌ها و سوسیالیستها با پیوستن در جهت نلی مآلات و انگیزه - های طبقاتی و غیرعقلی و ضد تکلیفی بوده و روی به این هدف بزرگ داشته‌اند. "و لا یختر فی فرقه" (بشارت می‌کند که هر که برود کارش را) - همچنین سرحسب بی نهایت توحیدی که به اسان به منزلت و خودی مختار نگریسته می‌شود، طبعاً هر کس در حد آگاهی خود برابر با معنی و انحرافات مسئول بوده، و نمیتواند اشتباهات و ارتکابات را تماماً به گردن سیمت بپردازد، و خود را بخورد و مجبور بداند، بلکه هر کسی علی رغم همه اجبارها و محدودیتها سیمت - تکلیف، فرد بحکم و وظیفه‌های خود با پیوستن در هر شرایطی به وظایف انقلابی و مکتبی - اش قیام کرده، و با شیوه‌های مناسب و در بهترین شرایط سطح سکی به مبارزه با انحراف برود.

اینجاست که امام درباره کسانی که بایک درک غیر توحیدی از رابطه فرد و سیستم مسؤلیت، وظایف مبرم خود را فراموش می‌کنند، قاطعاً می‌گوید: "لا یختر فی فرقه" (و ولاتمکنک هیچ ملات - کننده‌ای جز خویش را) .

## بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد انقلاب الجزایر تلگرام تهنیت مجاهدین خلق به جبهه آزاد بیخش ملی الجزایر

بنا م خلق قهرمان ایران و بنا م خلق قهرمان الجزایر با سلام انقلابی و توحیدی سازمان مجاهدین خلق ایران افتخار دارد که بیست و پنجمین سالگرد انقلاب خود را با پیروزی و آزادی جزایر و بیخشی ملی الجزایر به یاد آورد. ما از انقلاب شما، که راهگشای بسیاری از انقلابات ملل زیر سلطه جهان بوده است، تجارب و درس‌هایی بس بیقیمت و گرانبها اندوخته‌ایم. تجارب که خوشبختی‌های بیشتر از سبک میلیون شهید دلاور الجزایری بوده، و لذا زهر خطر را برای ما عزیز و گرامی است. بخصوص که شما نخستین کسانی بودید که پیوند دیرین میان اسلام و انقلاب خود را، مصلحانه و در سالهای جدید آشکارا نمودید.

همچنین ما هرگز کسب‌های ذیقیمت شما را به انقلابیون شما فراموش نکرده، و در غا فرط خواهیم داشت که الجزایر بنا م طسر کمکی‌ای انقلابی و سوا و تمسدا نشان نبویسته میهن دوم میاری انقلابیون و سا زمانه‌ایم. انقلابی جهان تلقی شده، و خواهد شد. و در همین رابطه بود که ما روزی برابر را در الجزایر این را سبک اکنون بسیاری از آنها سپید شده اند. در دو دو گاهای فلسطین در آغوش گرفتیم. و ادا شامل انقلاب را تا فلسطین نیز سیمراه آورده، و با وظیفه نه چای نری آمده بودید.

اکنون اجازه بدید، سرفرازی هر چه بیشتر انقلاب شما را در سیرت کامل فداستفاری و فداستفای اثر آرزو کرده و امیدواریم که شما باقی موانع و طرد انواع راه‌های رشد سرمایه داری هر چه زودتر درستی جامعه نوین بدون طبقات تولیدیابید.

مرگ بر امیریا لیسیم جهانی بسر کردگی میریا لیسیم آمریکا هر چه استوارتر با دیونه‌لقهای ایران و الجزایر با درود فراوان به شهدای انقلاب الجزایر مجاهدین خلق ایران

۱/۱ آبان ۵۸ / ۲۳ اکتبر ۷۹

## پیام انقلاب الجزایر: یک ملت درست از همان لحظه که مرگ سرخ را بر تسلیم مرجع شمرد، پیروزی اش مسلم گشته است

با درود و سپاس به خلق قهرمان الجزایر خلقی که توانست با دادن بیش از یک میلیون شهید یکی از سرسخت‌ترین استعمار کفایت انسان باشد. سیمت نباید. در این راه بر اساس آنچه کفایت آنجا کاستگی قوا و سائل نظامی به این سیرل خود در تاریخ "صورت" است. "آزادی است" افریقا جنگ زده بود، برزاد و در آورده و به زودی الجزایر بر بمون کلانه زینوری "برای استعمارگران و سرزمینی راهشانی گشته برای خلقهای تحت ستم و مستضعف جهان درآورد. چرا که بین ملل مستعبد و محنت سلطه ارتباطی روشنی بخش و مقدس وجود خواهد بود.

دارد، و هر سرزمین آزاد شده‌ای، برای همه بی و پادشاهی، به کام، سرزمین راهشانی، برای همه سائل نظامی و سائل نظامی، در دین میسان، جزایر برای ما بخش و اهمیت ویژه ای داشته و دارد. تاریخ جهان، که همانا تاریخ مبارزه انسان ها برای "رهائی" و "آزادی" از قید هرگونه سلطه‌طلبانه است. ضرورت های مشغور و معینی را مطرح ساخته است. از آن جمله است: "دعوت عام از کلبه مسلم" مستعبد و که بر این برانی کامل بنای امیر - پادشاه و استعمار با تمام قوا بیاخیزند". موضوع آزادی انسان، مستقل از اوضاع و احوال و موقعیتهای خاصی که فرد در آن قرار دارد، به تمام بشریت مربوط است و به همین دلیل است که مکتب در خاطر شرافت ملی و استقلال را در سطح جهانی می‌زند. خلقها اهمیت و ارزش والائی که در این سیمت، امین، سستی و ارتباط درونی، یکی از ریشه‌های همبستگی عظیمی است که ملت‌های مستعبد و توده‌های استعمار شده را بهم وصل میکند. اغسراق نیست که گفته‌شده اگر در بخش‌های از جهان که در تاجا حاکمیت ملی تحقق پیدا کرده، هنوز تا قضاقتها و تضادهای خود را به دست رانند، این علت نیز دخالت دارد، که هر چه پیشروی جدیدی ایجاد کند که ملت‌های دیگر نیز از قیادسارت رها شوند، بنا بر این باید نظام‌هایی که از حاکمیت

معرفی کتاب: "درباره جناح بندی"

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق

این کتاب از دیدگاه ایدئولوژی توحیدی و تحلیلی و تبیین مسأله جناح بندی در سازمانها و گروهها پرداخته و جزئیات فنی تئوری کتابهای آموزشی-تشکیلاتی سازمان میباید، مسأله جناح بندی عمدتاً در سازمان مجاهدین زمانی مطرح گردید که ضربه خائفتاناناپورتونستیستاد در سال ۵۴ شهبات عمده و زواری را در آنجا نمود. مردم و اکثریت اعضا مطرح گردانیده بود. و این شایعات تاباندنیا قوت یافته بود. که حتی در نواری از وجود دو جریان متفاوت فکری در سازمان از همان ابتدای تشکیل، نام برده میشد (تضاد شهید محمد حنیف نژاد و سعید حسن).

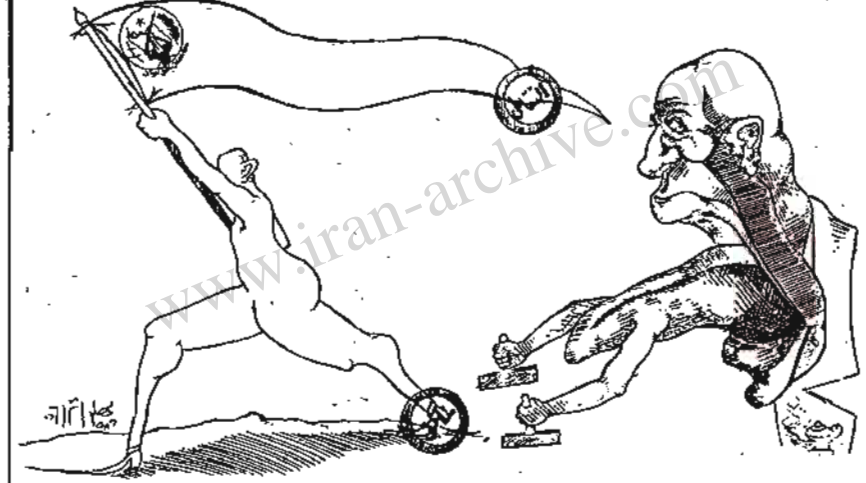
آسمان شعر کوچک من

یادش بخیر آنروزهای قدسی ایثار چه پدیدرخ، شبنامه و خورشید و فشانگ، بهمم هدیه میگردیم. هنگامیکه آمبولانسها تنهای زخمی عزیزان را در گذرگاههای شهر آژیر می کشند، چه پدیدرخ، سفره دلایها مان را برابر هم می گردیم. چه پدیدرخ میگریستیم، و آوازهای پگانی مان چه پرشکوه بود.

افول ستاره تباهی را، چه موهنامه دل به انتظار می سپردیم. اما اکنون چنان شده است که در صداقت همه، هرمان در پیروز شک گردامان من، ز می پندارم چگونگی است که هنوز، در دستگاه بلوغ این شیزدگان پهریز، مردان فزانه، این خاک خونانودرها به بند می کشند. تا زمزمه کلام آزادی را، زهر در کاشان کنند؟ چگونگی است، که در سپیده صادق این صبح با په راه، دروغ در هیئت زشت و منموس دیگر باره تجویز می شود. سنگرم از مخروبه های انزوی خویش آوازهای شادمانی سرمی دهند و سقف فولادین زندان باری عزیز

آسمان شعر کوچک من می شود؟ چگونگی است که هنوز، سینه چاک پیرو فریب سوداگران پیر معیار قضاوت مجرا بجای عدالت میشود. و تاراج خون شهیدان فصل سرخ، هیچکس از مردمان لبه با اعتراض نمی کشد؟ همه حکایت این است همراه درویشی راههای پرشکوه و آزار مردانی هستند که از بازارهای حراج ایسان به سر بلندی گذر میکنند. برداشتی که نماز عشق را وضو با خون خویش می گردند. مردانی که شهادت به رهائی انسان نمی دهند. دروغ و درویشی و تهمت را با تخفینده های فتح مجاب می کنند. مردانی از تبار با بگ و منصور. مردانی از تبار تو همراه...

گفتم: که شب گذشت و سحر آمد. گفت: شبی گذشت و دگر آمد. گفتم: که دیو رفت برهن گفتا: لیک از سرای شسته به در آمد. گفتم: صدای ریختن زنجیر است. گفت: از زبان (گرد) خبر آمد. گفتم: نام ۲۲ گفت درود خلق، بر منجهان نوع بشر آمد. گفتم: تفأل بی از فردا، گفتا: تلنگ و خون و خطر آمد.



از دیدگاه ما... این علق جان به گف نهاده و عاشق بانگ رسای الله الکر اکر برخواست چون سیل میخروشد این خلق دشمن به تنگ آمده دیوانه وار سر میگوید بر سنگ چون مرگ میهراسد دشمن صد پادگان شکسته شده صد گاخ سرگون شده اینک دیوهار ارابه ران تاریخ حرف درشت آزادی را بر سنگ فرش زمان بالاله های پیربرگشته تصویر میکند آنک خون رسم زندگی را تقدیر میکند. گل داده خون سرخ شهیدان خون خودی - منصور - ابراهیم خون غلام - ماندنی - مدرالله گل داده شعله های آتش آزادی این خون کیست؟ این خون کیست که میجوشد این خون - بهتی - است که میجوشد خون - محمد - است

نگاهی به نمایشگاه "طالقانی و مبارزه" تاریخ سنت برپائی نمایشگاههایی از مبارزات خلق قهرمان ایران، تجلیل از پیشکامان مبارزش به بکمال قبل بر میگردد. باران نمبرود که در آن زمان میدیدیم که چگونه توده های مردم چهره شورا را آنها استقبال کرد بودند نشان هجوم می آوردند. و این مارنیز نمایشگاه "طالقانی و مبارزه" بنیاسبت جمله پدر طالقانی با حمال و هوایی دیگر، شراپهلی مقامات در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از طرف انجمن دانشجویان سلمان دانشگاهها برپا شده است. از ارضیه ۲۸ مهر الی ۲۰ آبان آذامه می باید. نمایشگاه با تصیری از شناسنامه پدر طالقانی آغاز میشود. وضعی است بر آنست که با کنگ تصاویری گویا صفحاتی چند از شناسنامه پدر و در عخان پدر طالقانی این حماسه سترگ مقاومت و برای به بنسند به بنیاش گذارد. در انجام این مهم نیز تا سزایادی - منق بوده است. "نمایشگاه" پدر طالقانی را با تصیری بزرگ از سال ۱۳۱۷ با مینشان - آندوران زمانی است که پدرمجم - همی به مقام سلطنت به حبس افتاد است. نمایشگاه سالهای حکومت رضاخان را نشان میدهد. دوره شکست قلمها و بریدن زبانه، دورگشتن جا، میگردن نفسها در بندها و عققان و سلطه فاشیسم پهلوی. پدر را این سان همچنان خیر می خروشد. پس سالهای بعد از سقوط دیکتاتوری رضا شاه و آغاز فعالیتها گسترده ایدئولوژیکی پدرم در سال ۱۳۲۵ سفر به فلسطین که

عاشقانه های شهادت در روزهای سرخ شهادت تعطیل و اعتصاب ما درس عشق خویش را در کوچه ها و خیابانها خواندیم و بر حصار شهر نوشتیم آزادی و در کلاس سر خلق خویش فریاد برکشیدیم آزادی اندر هجوم خاک و مسلک گلهای نوشکفته پیر شدند صد ها ستاره بر خاک اوقات ما دیدیم هر کوچه را لغزای شد انبوه انبوه و آسمان پر از ستاره تابان گشت فریاد برکشیدیم آزادی آنگاه خون از محله های جنوبی جاری شد و آتش بر فراز محله علیا توفیه فریاد برکشیدیم آزادی

این خون لخت و نصر من اله است خون قبيله شتم و فقر است خون خلیل سردار زنگه اسیران است در روزهای سرخ شهادت تعطیل و اعتصاب مادرش و شوق خویش را در کوچه ها و خیابانها خواندیم و بر حصار شهر نوشتیم آزادی اینک بر تخته سیاه کلاس خود با برگهای گل سرخ شعر عزیز پهریزی را تصویر میکنیم و قامت بلند آزادی را با آوازه های خونین تحریر میکنیم از: ج - پولاد اسفند ۵۷

عاشقانه های شهادت در روزهای سرخ شهادت تعطیل و اعتصاب ما درس عشق خویش را در کوچه ها و خیابانها خواندیم و بر حصار شهر نوشتیم آزادی و در کلاس سر خلق خویش فریاد برکشیدیم آزادی اندر هجوم خاک و مسلک گلهای نوشکفته پیر شدند صد ها ستاره بر خاک اوقات ما دیدیم هر کوچه را لغزای شد انبوه انبوه و آسمان پر از ستاره تابان گشت فریاد برکشیدیم آزادی آنگاه خون از محله های جنوبی جاری شد و آتش بر فراز محله علیا توفیه فریاد برکشیدیم آزادی







اسنادی از نوشته های سیستم آریامهری (قسمت سوم)

بیمه صفحه ۴

# طرح تبلیغاتی رژیم گذشته برای مقابله با مخالفین

با بدورنامه هارایت و تلمها را شکست دهه چشمه های کسب آگاهی مردم را خشکاند.

و بالاخره این گزارش از زبان موارد بالاچین نتیجه میگردد: «مخالفین حکومت امین بر تخت پوشتند به شیوه اشتی عیبر و بانو استفاده از موقعیت ایجاد شده فضای سیاسی را قصد اختلال در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به منظور وصول به هدف براندازی در کشورها دشمنی دارند.»

طرح مزبور بر گه های زیر به دست آمده است: ۱- نمونه های اعلامیه های جعلی و ارائه می کند و بدین ترتیب در آریامهری مطالعه فیکری از این اعلامیه ها معمول که بنام آیت الله خمینی صادر شده و حاوی بر نامه های حکومتی است. ۲- مبالغه ها و اغراق ها در مفاهیم و ادبیات است که هدف از این کار ایجاد ابهام و سردرگمی در افکار مردم است. ۳- استفاده از اسامی و عناوین مذهبی و سیاسی برای پوشش دادن اهداف واقعی. ۴- استفاده از اسامی و عناوین مذهبی و سیاسی برای پوشش دادن اهداف واقعی.

«کمیته التقاطی» و «انحرافی» تا به حدی که مبارز نظام توحیدی را به دلیل آنکه متضمن بنی طبقات است طرد می کنند. آیا این اعمال عملاً به سمت حاکم شدن همان «مذهب واقعی» مورد نظر رژیم و مذهب کتب الاحبارها قدم برداشته نشود؟

آیا اینکه اخیراً «بازار تفتیشی» مردم صحت میشود (نمونه شرکت مردم در انتخابات خوراها) و آنچه پس از آن همه خوروشی توده هادر جرایم تبارم در دزدانگنست باطالی این چند ماه مردم را موشخند مانده اشکال از جای دیگر است؟

بالاخره مگره اینست که امروز هم ماشاد تویم انبار کسبته از زمان شاه هستم؟ آیا ماملی مراز کسبته نشدن بندهای وابستگی به سیستم اقتصاد امیرالاستی در پیدایش این وضع دلیل است؟ و بالاخره آیا دولت تلمها هم، تویم موجود است؟ منطقی و غیر منطقی میخواند؟ و از تویم به ریشه اصلی تویم و قطع آن سرباز میزند؟ و همچنان خیال می کند با جرمه و تلاق و زندان میشود عارضه وابستگی به سیستم اقتصادی امیرالاست را علاج کرد؟ آیا از تاریخ نباید عبرت آموخت؟

## راه حل سیاسی تنها شیوه حل مساله کردستان ماکشتار و جنگ افروزی در کردستان را محکوم میکنیم

امداد فاجعه انگیز برادر گشتی در کردستان هر روز گسترده تر شد، و طبعاً مردم وجود نداشتن مرتجعین کما تثنی بر امر که بوده هستند، بالاخره از طرف هیئت عامل کمه دولت نیز حرکتی شد. ماسکرات پنهان و آشکار آنچه که در مطوعات بنام کردها گفتن نمایانند دولت توسط دیده کرتها بیان شد علنی گردید. وزیر مشاور در سفری به کردستان و مذاکره با سازمان کردها نام داد به تهران بازگشت و به از تقدم گزارش هیئت دولت به نام تصمیم گرفتند که هیئت مرکزی از سه زسر به کردستان رفته راه حل مناسبی برای این سرزمین به خون کشیده و داد فرار پیدا کنند. سالی که برای همگان مطهر است این است که با ابراستی دولت هیئت حاکمه در پس حیل نبنیادی مساله هستند. آیا از این حرکت دولت میتوان نتیجه گرفت که افسار گسیخته جنگ طلبان به دست آمد دولت توانست است حتی حرس جنگ افروزان را مهار کند؟

### خواججه در بند قتش ایوان است

و بالاخره در دست با یانی این طرح تحت عنوان «فعالیت های تربی مستقیم در جهت بالا بردن روحیه مسئولیتی و همبستگی ملی به تخذیه و وسایل ارتباط جمعی با تراه ها و سرودها و اشعار و گفتارهای ملی و منبسطی پرداخته و چند نمونه از این تبلیغات ارائه داده است. مثل «ترانه پیام ایرانی» «سرود آریامهر» و «چکانه» میز شاه و ...

### تاکتیک پیداست که برای برپا نگه داشتن بنیاد سیستم موجوده ای

از برای است و ویران است این سرودها و شعرها و آثارها تا چه اندازه مفید است؟ شاید همه هم که چون بندهای سرودها و آتش خشم و نفرت مردم را شعله و رتر میساخت و گلا تا اثر مخکوس می بخشد.

### مشابهت های هراس آور

و اما همچنان که بارها گفته ام مقصود ما از بیان آنچه که به حال گذشته است، عبرت آموختن برای هشاری در شرایط حاضر و شرايط آینده می باشد. با اندکی تأمل مشابهت های بسیاری میان طوطه های رژیم گذشته و آنچه که اکنون جریان دارد مشاهده خواهیم کرد. اولین پارگی علیه نیروهای ما در رژیم شاه نیز صد مرتبه از این جهت و افترابودمانه است. آیا، تواند اتفاقی باشد؟ استفاده ارتجاعی از مذهب برای کنار زدن اسلام اصل و انقلابی و کوبیدن آن با پرچم و

### خواجه در بند قتش ایوان است

۱- انتخاباتی در پیش جمهوری اسلامی از طریق رایج به آرا عمومی که مطابق با شیوه اخذ بیعت در دین سن اسلام میباشد. ۲- لغو قانون اصلاحات ارضی که منافی با شرعیت مقدس اسلام بنویس و احترام به مالکیت بوده ... ۳- محدود کردن فعالیت تبلیغاتی تجار و عناصر غیر مسلمان در کشور مسلمان ایران. ۴- سرچشمه شدن دادگاه های عدالت برای قوایین از مخالف باعشار دین سن اسلام است. ۵- محدود کردن کار نسوان به اموری که انجام آن از عهده مردان ساخته نیست. ۶- سر انداختن میاه دانش و بهداشت. ۷- برقراری سیستم جدید مالیاتی بر اساس قوانین اسلامی (خمس زکات) و پرداخت عقیقه امام. ۸- انحلال کلیه مدارس و آموزشگاه های معطل و تبدیل آن به آموزشگاه های مستقل پس از تجدید نظر در بخش دیگری از طرح مزبور. ۹- شیوه های ملی چندی برای مطالبه با مخالفین توضیح داده است و منجمله: ۱- خنثی کردن فعالیت های تبلیغاتی در مقابل فریبکار، فریب خورده و انتقام جو مسلمانان از نامه فعالیت های منافر ضد ملی در جهت سیره برداری از مشکلات عمومی. ۲- جوهر تمام شیوه های مبارزه معنی عبارت است از:

- ۱- خنثی کردن فعالیت های تبلیغاتی و خلاصه سامنت از فعالیت آنها. ۲- گروا همی وقت به این وکتور نی افتد که اصلاً جرات تبلیغات عوامل با اصلاح فریبکار را پس مردم میگردد. ۳- آبا خرواست که بنان مردم در است؟ ۴- امر به مناسبت های مختلف از طرف «خمینی» با حرم روحی که در حال حاضر عمل نمیشود. ۵- انتشار اعلامیه بیابانه، تلگرامات، و سخنرانی (با تقلید صدا) به مناسبت های مختلف از طرف «خمینی» با حرم روحی که در حال حاضر عمل نمیشود. ۶- انتشار اعلامیه بیابانه، تلگرامات، و سخنرانی (با تقلید صدا) به مناسبت های مختلف از طرف «خمینی» با حرم روحی که در حال حاضر عمل نمیشود. ۷- انتشار اعلامیه بیابانه، تلگرامات، و سخنرانی (با تقلید صدا) به مناسبت های مختلف از طرف «خمینی» با حرم روحی که در حال حاضر عمل نمیشود. ۸- انتشار اعلامیه بیابانه، تلگرامات، و سخنرانی (با تقلید صدا) به مناسبت های مختلف از طرف «خمینی» با حرم روحی که در حال حاضر عمل نمیشود. ۹- انتشار اعلامیه بیابانه، تلگرامات، و سخنرانی (با تقلید صدا) به مناسبت های مختلف از طرف «خمینی» با حرم روحی که در حال حاضر عمل نمیشود.

## جرا با انکار واقعی که هرگز قابل تکذیب نیست، ضرب و شتم های تحریک امیرزاده را میزنید؟

روز دهمی فرضی مخالف دولت مثلا بنام «مدافعان مرجعیت» جهت بسازند تا نظرات غیر معقول مذهبی خمینی و دفاع از امیرزاده را تقلید. ۳- انتشار اعلامیه بیابانه، تلگرامات، و سخنرانی (با تقلید صدا) به مناسبت های مختلف از طرف «خمینی» با حرم روحی که در حال حاضر عمل نمیشود. ۴- انتشار اعلامیه بیابانه، تلگرامات، و سخنرانی (با تقلید صدا) به مناسبت های مختلف از طرف «خمینی» با حرم روحی که در حال حاضر عمل نمیشود. ۵- انتشار اعلامیه بیابانه، تلگرامات، و سخنرانی (با تقلید صدا) به مناسبت های مختلف از طرف «خمینی» با حرم روحی که در حال حاضر عمل نمیشود. ۶- انتشار اعلامیه بیابانه، تلگرامات، و سخنرانی (با تقلید صدا) به مناسبت های مختلف از طرف «خمینی» با حرم روحی که در حال حاضر عمل نمیشود. ۷- انتشار اعلامیه بیابانه، تلگرامات، و سخنرانی (با تقلید صدا) به مناسبت های مختلف از طرف «خمینی» با حرم روحی که در حال حاضر عمل نمیشود. ۸- انتشار اعلامیه بیابانه، تلگرامات، و سخنرانی (با تقلید صدا) به مناسبت های مختلف از طرف «خمینی» با حرم روحی که در حال حاضر عمل نمیشود. ۹- انتشار اعلامیه بیابانه، تلگرامات، و سخنرانی (با تقلید صدا) به مناسبت های مختلف از طرف «خمینی» با حرم روحی که در حال حاضر عمل نمیشود.

## نشریه محترم مجاهد

عطف بنامه مورخ ۲۸/۷/۵۸ به عنوان حضرت آیة الله منتظری زیادت مجلس خبرگان و روزنوشته آن که به دبیرخانه مجلس واصل شده است اشعار میآورد: همین اطلاع مراتب تکلیف حضرت آیة الله منتظری از برخورد کوچکی که متوجه من بود به شکر رسیدن انتقابت اسلامی ایران تلاش میکنم رخ دادها در بیرون مجلس امیدوار است عهده احترام به اجرای مقرراتی که برای انتضاط محیط مجلس وضع شده مانع هر گونه برخوردی «بین کلیه کمانگه» به نحوی در این محیط زحمت میکنند، شود. ناگزیر است اضافه نماید مسترد میرفت قریباً ۴۵ دقیقه مذاکراتی که در محیط پارک دوستانه بین حضرت آیة الله دکتربینشی و سخنران جریده «مجله» برگزار شد موجب رفع هرگونه سوء تفاهمی شده باشد.

بهر حال با اظهار تألم و تألیف می گویم که شکر است، با همکاری روزنوشته در آینده، کوچکترین برخورد ناگوار که موجب رنجش برادران از همدیگر شود، اتفاق نیفتد. دبیرخانه مجلس خبرگان

## جرا با انکار واقعی که هرگز قابل تکذیب نیست، ضرب و شتم های تحریک امیرزاده را میزنید؟

نشریه محترم مجاهد عطف بنامه مورخ ۲۸/۷/۵۸ به عنوان حضرت آیة الله منتظری زیادت مجلس خبرگان و روزنوشته آن که به دبیرخانه مجلس واصل شده است اشعار میآورد: همین اطلاع مراتب تکلیف حضرت آیة الله منتظری از برخورد کوچکی که متوجه من بود به شکر رسیدن انتقابت اسلامی ایران تلاش میکنم رخ دادها در بیرون مجلس امیدوار است عهده احترام به اجرای مقرراتی که برای انتضاط محیط مجلس وضع شده مانع هر گونه برخوردی «بین کلیه کمانگه» به نحوی در این محیط زحمت میکنند، شود. ناگزیر است اضافه نماید مسترد میرفت قریباً ۴۵ دقیقه مذاکراتی که در محیط پارک دوستانه بین حضرت آیة الله دکتربینشی و سخنران جریده «مجله» برگزار شد موجب رفع هرگونه سوء تفاهمی شده باشد.

بهر حال با اظهار تألم و تألیف می گویم که شکر است، با همکاری روزنوشته در آینده، کوچکترین برخورد ناگوار که موجب رنجش برادران از همدیگر شود، اتفاق نیفتد. دبیرخانه مجلس خبرگان